

## مرور نظام‌مند و فراتحلیل کیفی مطالعات پژوهشی حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی با رویکرد توسعه محور آمار تپاسن

الهام عرب‌پور<sup>۱</sup> و دکتر مرضیه موسوی<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۲/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۰

### چکیده:

مهاجرت در کنار تولد و مرگ و میر، از عوامل اصلی تغییر و تحول جمعیت است. از آنجایی که نیروی انسانی، سرمایه اصلی هر کشور محسوب می‌شود، کاهش یا افزایش نیروی متخصص و سرمایه انسانی می‌تواند مسیر، سرعت و تحولات توسعه در کشور را تحت تأثیر قرار دهد. این پژوهش، با استفاده از روش فراتحلیل کیفی، با هدف بررسی، طبقه‌بندی و مقایسه نتایج تجربی مطالعات حوزه مهاجرت تلاش می‌کند، نقاط قوت و ضعف این آثار را نمایان سازد و با رویکرد قابلیت آمار تپاسن، وضعیت مهاجرت‌های بین‌المللی در کشور را مورد تحلیل قرار دهد. جمع‌بندی تحلیلی و همچنین ارائه تحلیل جامعه‌شناسانه با رویکرد توسعه محور برای نهادهای برنامه‌ریز اجتماعی و سیاسی از دیگر اهداف تحقیق است. به منظور انجام فراتحلیل ۵۰ مقاله علمی - پژوهشی چاپ شده در نشریات معتبر، با موضوع مهاجرت‌های بین‌المللی در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۸۳ به منظور تحلیل مهاجرت‌های بین‌المللی نیز از رویکرد قابلیت آمار تپاسن بهره بردیم. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با وجود کمیت بالای مطالعات در این حوزه، آثار یاد شده از نظر کیفی و روش‌شناختی دارای ضعف‌های جدی هستند. از سوی دیگر طبق نتایج مطالعات بررسی شده، مهم‌ترین عوامل خروج سرمایه انسانی از کشور، را می‌توان در عدم آزادی در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جستجو کرد. از دیدگاه سن، مهاجرت استراتژی را فراهم می‌کند که شخص خود را از عدم آزادی‌ها در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه مبدأ رها و آزاد کند و آزادی‌های واقعی را در مقصد جستجو کند. در حالیکه در مسیر توسعه، حفظ سرمایه انسانی و عاملیت آزاد و ماندگار به مثابه موتور توسعه عمل می‌کند و این عاملیت نه تنها عنصر قوام‌بخش توسعه است بلکه به تقویت انواع دیگر عاملیت‌های آزاد کمک می‌کند و منجر به تسریع این روند خواهد شد. افزایش مهاجرت بالفعل و تمایل به مهاجرت (بالقوه) اختلالی جدی در روند توسعه کشور را به همراه خواهد داشت.

مفاهیم کلیدی: ایران، مهاجرت بین‌المللی، توسعه، رویکرد قابلیت سن، فراتحلیل

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا تهران، تهران، ایران earabpour@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

m\_mousavi@gmail.com

## مقدمه و بیان مسأله

مهاجرت به‌عنوان مؤلفه سوم تغییرات جمعیتی در کنار باروری و مرگ و میر تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع مختلف می‌گذارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد جمعیت و نیروی کار یک کشور ایفا می‌کند. جمعیت‌شناسان، مهاجرت را به دو نوع داخلی و خارجی تقسیم می‌کنند. نوع اول جابه‌جایی جمعیت در درون مرزهای یک کشور را شامل می‌شود و نوع دوم ناظر بر تحرکات و جابه‌جایی‌های مکانی و جغرافیایی فراتر از محدوده مرزهای قانونی یک کشور معین است (Sheikhi, 1993). سازمان ملل، مهاجر را به‌عنوان فردی که در یک کشور خارجی به مدت بیش از یک‌سال اقامت کرده است، صرف نظر از دلایل مهاجرت (داوطلبانه یا غیر داوطلبانه بودن، نحوه مهاجرت، متعارف و یا نامتعارف بودن مهاجرت)، تعریف می‌کند. بنابراین مهاجر به افراد و یا اعضای خانواده‌ای گفته می‌شود که به کشور یا منطقه‌ای دیگر به منظور بهبود شرایط اقتصادی یا اجتماعی‌شان و چشم‌اندازهایی بهتر برای خود یا خانواده‌شان جا به جا می‌شوند. مهاجرت‌های بین‌المللی از نظر عوامل محرکه و قصد از مهاجرت، به سه گروه اصلی: جابه‌جایی‌های دانشجویی (تحصیلی)، مهاجرت‌های کاری (اقتصادی) و مهاجرت‌های اجباری (پناهنجویی) تقسیم می‌شوند (Iranian Migration Yearbook, 2019). امروزه روند مهاجرت‌های بین‌المللی در جهان رو به افزایش است و در حال تبدیل شدن به یک ویژگی مهم در دنیای جهانی شده و بهم پیوسته است. همان‌طور که (Zweig, 2008) نیز مطرح می‌کند مسئله بزرگ پیش‌رو برای توسعه منابع انسانی در جوامع دولت‌های غیر صنعتی، از دست دادن استعدادهای انسانی از طریق فرار مغزها و نیروی متخصص است. بر اساس نظر سنجی گالوپ در سال ۲۰۱۷<sup>۱</sup> میلادی بیش از ۷۵۰ میلیون نفر از جمعیت دنیا تمایل به مهاجرت داشته‌اند. به‌عبارتی بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷، متوسط میل به مهاجرت در جهان ۱۵ درصد بود، که این رقم برای جنوب آسیا ۸ درصد بوده است. بر اساس آخرین گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت<sup>۲</sup> ۲۰۲۰، جمعیت مهاجران بین‌المللی در جهان در سال ۲۰۱۹ بالغ بر ۲۷۲ میلیون نفر معادل ۳/۵ درصد از کل جمعیت ساکن روی زمین است و تعداد کل پناهندگان ایرانی در سایر کشورهای جهان حدود ۱۲۹ هزار نفر در سال ۲۰۲۰ است. طبق گزارش پورتال داده‌های مهاجرت<sup>۳</sup> نیز، تعداد کل مهاجرین بین‌المللی ایران در اواسط سال ۲۰۱۹، ۲/۷

<sup>۱</sup> Gallup World Poll Surveys

<sup>۲</sup> IOM (International Organization for Migration)

<sup>۳</sup> migration data portal

میلیون نفر و تعداد کل مهاجرینی که در اواسط سال ۲۰۱۹ از کشور خارج شده‌اند، ۱/۳ میلیون نفر است. همین‌طور پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران که در سال ۱۳۹۵ صورت گرفته است، نشان می‌دهد متوسط میل به مهاجرت در جامعه ایران چیزی در حدود ۳۰ درصد است. هر چند بین شاخص میل به مهاجرت و شاخص قصد جدی برای مهاجرت در جهان فاصله زیادی وجود دارد. جمعیت مهاجران ایرانی در طول ۳۰ سال گذشته به صورت صعودی با شیب ملایم از رقم ۸۱۹/۹۳۶ نفر در سال ۱۹۹۰ میلادی به رقم ۱/۹۳۷/۰۴۸ نفر در سال ۲۰۱۹ رسیده است. بر اساس آمار قابل استناد سازمان ملل و بانک جهانی (۲۰۲۰)، ده کشور جهان با بیشترین جمعیت ایرانیان خارج از کشور به ترتیب عبارتند از: امارات متحده عربی، آمریکا، کانادا، آلمان، انگلستان، ترکیه، سوئد، استرالیا، سرزمین‌های اشغالی (اسرائیل) و کویت. بر همین اساس آمریکای شمالی، اروپای غربی، امارات متحده عربی و استرالیا مناطق جغرافیایی تمرکز ایرانیان در جهان هستند. ایران در رتبه‌بندی کشورهای دانشجو فرست در جایگاه دهم قرار دارد و کشورهای چین، هند و کره جنوبی در جایگاه اول تا سوم قرار دارند ( *Iranian Migration Yearbook, 2019*). به‌طور کلی فرایندهای جهانی‌سازی منجر به افزایش تعداد افرادی شده است که به دلایل اقتصادی، اجتماعی و ... به‌طور موقت یا دائم در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند، به‌ویژه در محیط‌های شهری، و در کلان‌شهرهای پیچیده و بزرگ (*Vertovec, 2007*). درک تجربیات، نیازها و منابع این جمعیت‌های بزرگ و ناهمگن برای توسعه سیاست‌های عمومی ضروری است.

ایران در مسیر پیشرفت و توسعه قرار دارد اما هنوز تا رسیدن به یک کشور توسعه‌یافته گام‌های زیادی باقیمانده است. برنامه‌ها و رویکردهای توسعه به‌طور کلی در جهت از بین بردن محرومیت‌ها، فقر، ظلم، بهبود در حوزه‌های پزشکی و بهداشت، ارتقای آموزش، کاهش مشکلات زیست‌محیطی، تحقق حقوق سیاسی و مدنی، و در نهایت برقراری نظم و آرامش عمل می‌کنند. مهم‌ترین فاکتور در تحقق این اهداف نیروی انسانی است و اساساً بدون حضور عامل انسانی و مشارکت وی در این مسیر، چرخه حرکت توسعه با اختلالی جدی مواجه می‌شود. همان‌طور که (*Sen, 2002:19*)، نیز اشاره می‌کند عاملیت آزاد و ماندگار به مثابه موتور توسعه ظهور می‌کند و این عاملیت نه تنها عنصر قوام‌بخش توسعه است بلکه به تقویت انواع دیگر عاملیت‌های آزاد کمک می‌کند.

از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر توسعه، مهاجرت، تحرک و پویایی است. در این زمینه دهاس معتقد است که بیش از فقر شدید، عامل تعیین‌کننده در مهاجرت جوامع، وجود

سطحی از توسعه اجتماعی - اقتصادی، به همراه محرومیت نسبی در جامعه مورد نظر است. تنها در یک پروسه بلندمدت، پس از چندین دهه رشد و همگرایی درآمدی با کشورهای مقصد است که مهاجرت به خارج، رو به کاهش می‌نهد و مهاجرت به داخل افزایش می‌یابد و کشور را از مرحله فرستنده نیروی کار به پذیرنده نیروی کار مبدل می‌کند (De Haas, 2009). این موضوع منجر می‌شود که در ابتدای روند توسعه، منحنی مهاجرت افزایش یابد و سپس رو به کاهش گذارد. به عبارتی پس از دستیابی به سطح حداقلی از سرمایه اجتماعی، انسانی و یا مادی در یک کشور، ظرفیت مهاجرت در مراحل اولیه توسعه به صورت نمایی افزایش خواهد یافت. زیرا با افزایش نسبتاً اندک توسعه، بسیاری از افراد توان مهاجرت می‌یابند. علاوه بر آن توقعات و انگیزه‌های مردم نیز بالا خواهد رفت که به افزایش مهاجرت می‌انجامد. این افزایش سریع مهاجرت و شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی، شبکه‌های مهاجران را پدید می‌آورد. با افزایش توسعه، حرکت این منحنی رو به بالا ادامه می‌یابد تا نقطه اشباع. در این نقطه، اکثریت افراد جامعه توان مهاجرت را یافته‌اند. پس از این مرحله، افزایش توسعه موجب کاهش مهاجرت خواهد شد (De Haas, 2010:18-19). با توجه به اینکه ایران در میانه مسیر توسعه قرار دارد و بر اساس رویکرد دهاس لازم است تا از هدررفت و خروج عامل انسانی جلوگیری شود، لذا این امر محقق نخواهد شد مگر با شناسایی و حذف موانع نارضایتی نیروی انسانی متخصص و ماهر.

تلاش در جهت حفظ نیروهای ماهر و متخصص موجود و جذب یا باز بهره‌مندی از دانشجویان مشغول به تحصیل یا فارغ‌التحصیل در خارج از کشور، می‌تواند موجب افزایش سرمایه انسانی در یک کشور شود. این امر به خصوص در کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران که با هزینه‌های فراوان به توسعه زیرساخت‌های آموزشی و تربیت متخصصان می‌پردازند و سپس این نیروی متخصص را از دست می‌دهند، نمود بیشتری دارد. از آنجا که سرمایه انسانی در حال تبدیل شدن به مرکز اصلی رشد و توسعه اقتصادی جوامع است، دسترسی به افراد با استعداد و ماهر یکی از عوامل اساسی تعیین‌کننده چشم‌انداز آتی یک کشور محسوب می‌شود. اهمیت موضوع مهاجرت زمانی بیشتر می‌شود که افراد متخصص و ماهر پس از ترک کشور، قصد بازگشت را در سر ندارند و فقدان این سرمایه انسانی متخصص به مرور کشور را در مسیر توسعه و پیشرفت با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌کند. هدف این مطالعه، فراتحلیل مقالات با محوریت مهاجرت‌های بین‌المللی است تا بهتر بتواند

علل و عوامل اصلی این پدیده را از منظر جامعه‌شناسی توسعه مورد موشکافی و واکاوی قرار دهد.

### سوالات و اهداف پژوهش

در این مطالعه سوالات زیر بررسی خواهد شد:

- ۱- محققان چه رشته‌هایی بیشتر به مسئله مهاجرت‌های بین‌المللی پرداخته‌اند؟
- ۲- در این مطالعات چه روش‌ها، متغیرها و نظریه‌هایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؟
- ۳- متغیرهای مستقل مورد بررسی در مطالعات کدامند؟
- ۴- پژوهش‌های حوزه مهاجرت بین‌المللی عمدتاً در بازه زمانی مورد نظر در این پژوهش به چه نتایجی رسیده‌اند؟

هدف پژوهش بررسی، طبقه‌بندی، مقایسه و تجزیه و تحلیل بنیان‌های نظری و نتایج تجربی مطالعات در حوزه مهاجرت است، تا با ایجاد ارتباط بین یافته‌ها به جمع‌بندی در این حوزه و شناسایی نقاط ضعف و قوت نائل آییم.

### پیشینه پژوهش

با جستجو در زمینه فراتحلیل آثار مرتبط با مهاجرت در سطح ملی، سه اثر یافت شد که در ادامه به‌طور اجمالی معرفی می‌شوند:

ذاکر صالحی تحقیقی با عنوان "فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان" در سال ۱۳۸۴ انجام و نتایج آن را در سال ۱۳۸۶ منتشر کرده‌اند. این فراتحلیل که از طریق بررسی و ارزیابی ۴۸ اثر علمی مربوط به قبل از سال ۱۳۸۴ انجام شده، دو بُعد روش‌شناختی و محتوایی را مدنظر قرار داده است. در بعد روش‌شناختی، مهم‌ترین ضعف مقالات عدم سازگاری بین اهداف، چارچوب نظری، روش تحقیق، نتایج و راهکارها، عدم استفاده از تکنیک‌های پیشرفته تجزیه و تحلیل و مناسب نبودن حجم نمونه بودند. از جنبه محتوایی نیز عدم تناسب نتایج با اهداف پژوهش، ضعف ارتباط و تناسب راهکارها با هدف تحقیق مهم‌ترین مشکلات مطالعات بودند (Zaker, 2007).

"فراتحلیل کیفی مقالات علمی ناظر بر مسئله فرار مغزها در ایران" عنوان مطالعه‌ای است که به کوشش توکل و عرفان‌منش (۱۳۹۴)، صورت پذیرفته است. این مقاله با استفاده از روش فرا تحلیل کیفی ۴۵ مورد از مقالات علمی تولید شده در ایران از سال

۱۳۸۰ را مورد ارزیابی قرار داده است. در جمع‌بندی نویسندگان، مهاجرت نخبگان را به‌عنوان یک مسئله اجتماعی قلمداد کرده‌اند که نیازمند عزم جدی برای حل و تحلیل است و راهکارهایی را برای پیشگیری و کاهش فرار مغزها پیشنهاد داده‌اند (Tavakol and Erfan Manesh, 2014).

اسماعیل‌زاده و ذاکر صالحی (۱۳۹۳)، نیز در تحقیقی با عنوان "بررسی مهاجرت نخبگان علمی در ایران" به مرور سیستماتیک و فراتحلیل کیفی پژوهش‌های مربوط به مسئله مهاجرت نخبگان پرداخته است. جامعه آماری این تحقیق ۶۸ اثر شامل کتب، طرح‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و مقالات با موضوع جامعه‌شناسی بودند. نتایج مطالعه مورد نظر نشان دادند که پژوهش‌های انجام شده در این مورد، در ابعاد روش‌شناختی و نظری نیاز به ساماندهی دارد و کمتر پیمایش جدی در این زمینه صورت گرفته است. پیمایش‌ها بیشتر در صدد سنجش گرایش نخبگان داخل به مهاجرت بوده و کمتر به نخبگان مهاجرت کرده پرداخته و این از جمله خلأهای مطالعاتی در حوزه مهاجرت نخبگان است (Esmailzadeh and Zakersalehi, 2013).

با توجه به تولید داده‌های جدیدتر علمی و افزایش روند مهاجرت در کشور، محقق بر آن شد تا با رویکرد توسعه‌ای فقدان حضور نخبگان و متخصصین در کشور را بررسی کند.

### مرور نظری

دیدگاه‌ها و نظریات مربوط به حوزه مهاجرت را می‌توان به دو شیوه دسته‌بندی کرد. دسته اول نظریاتی که بر اساس نوع نگاه‌شان به موضوع مهاجرت در ۳ دسته سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی جای می‌گیرند. تمرکز هر دسته روی یکی از ابعاد و دلایل اصلی مهاجرت است. دسته دوم نظریاتی که مهاجرت را بر اساس سطح تحلیل و واحد کنش تبیین می‌کنند. این گروه نظریات در ۳ سطح کلان، میانه و خرد قرار می‌گیرند. در این حالت ساختارها، نهادها و گروه‌ها و افراد واحد اصلی تحلیل به حساب می‌آیند. به این ترتیب به مرور اجمالی این نظریات می‌پردازیم.

در دیدگاه اقتصادی، مهاجرت‌ها اعم از داخلی و بین‌المللی، مکانیزمی برای باز توزیع نیروی کار است. در این دیدگاه، مهاجران کارگر تابع قانون عرضه و تقاضا هستند و نه تنها مهاجرت باعث رشد اقتصادی دو منطقه مهاجرپذیر و مهاجرفرست محسوب می‌شود، بلکه وسیله‌ای برای بهبود وضع کار و اشتغال نیز به شمار می‌آید. در مواردی مهاجرت‌ها برای دوری جستن از شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده حیات انسانی انجام می‌گیرد و در

مواردی برای سکونت در نقاط خوش آب و هوا یا زندگی در بطن جامعه، قوم یا فرهنگ خودی انجام می‌شود که نه تنها ممکن است انگیزه‌های اقتصادی نداشته باشد بلکه حتی در جهت عکس آن جریان یابد. مهاجرت از دیدگاه اجتماعی به انگیزه‌های متعددی چون انگیزه‌های مربوط به تشکیل یا الحاق به خانوار، تغییر وضعیت زناشویی، انگیزه‌های مربوط به تحصیل اعضای خانوار، تحمل‌ناپذیر شدن شرایط زیست در مبدأ، تمایل به زندگی در پایتخت یا هر جای دیگر همچنین به انگیزه‌های سیاسی و تاریخی اشاره شده است که بخش عمده‌ای از آن‌ها به دیدگاه‌های فرهنگی و اجتماعی افراد مربوط می‌شود. تبیین مهاجرت با نگرش‌های سیاسی در وهله اول به قوانین و مقرراتی برمی‌گردد که معمولاً به صورت یک‌طرفه از سوی کشورهای مهاجرپذیر برای تسهیل پذیرش مهاجران از بعضی از سرزمین‌ها و جلوگیری و محدود کردن آن‌ها از برخی دیگر انجام می‌گیرد (Zanjani, 2001). از آنجایی که مهاجرت، تصمیمی بر پایه مجموعه‌ای از ارزش‌ها و عوامل فردی و اجتماعی است، بررسی نظریه‌های مربوط به آن را می‌توان براساس سطح تحلیل نیز انجام داد.

در سطح کلان به مواردی مانند ساختار جامعه، توسعه‌نیافتگی، صنعتی‌شدن، شرایط سیاسی - اقتصادی، بازارهای جهانی و ایدئولوژی‌های جهانی توجه می‌شود. نظریه‌های کارکردگرایانه، بازار کار دوگانه، نظام جهانی و سیستمی مهاجرت در این گروه جای می‌گیرند. از نظر کارکردگرایان مهاجرت عملی است داوطلبانه، طبیعی و بهنجار. این نظریه بر تبیین دلایل و پیامدهای مهاجرت استوار است. آن‌ها معتقدند که تحرکات جغرافیایی جمعیت در قالب مهاجرت دارای کارکرد مثبت در جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی کشورهای توسعه نیافته است و اصولاً صنعتی‌شدن و نوسازی بدون مهاجرت امری غیر ممکن است (Alaei Nasab, 2006; Quoted from Rahashkho & et. al., 2013). نظریه بازار کار دوگانه، به این امر می‌پردازد که مهاجرت‌های بین‌المللی به سبب ساختار اصلی اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته در تقاضای دائمی برای نیروی کار مهاجر شکل می‌گیرد. بنابراین مهاجرت بیشتر به سبب عوامل کششی (مانند نیاز مزمین و اجتناب‌ناپذیر به نیروی کار خارجی) در کشورهای گیرنده صورت می‌گیرد (Massey & et. al., 1993). این نظریه، دوگانگی اقتصادی در بازار کار و دستمزدهای کشورهای توسعه‌یافته را سبب ایجاد جریان مهاجرت می‌داند. در این کشورها، بازار کار از دو بخش تشکیل شده است، به صورتی که مشخصه بخش اول بازار کار، شغل‌های خوب با حقوق بالا و در بخش دوم آن مثل صنعت که مختص کارگران غیر ماهر است، حقوق پایین و نوسان و بی‌ثباتی

استخدامی حاکم است، لذا این بخش برای کارگران بومی غیر جذاب است. از طرفی مهاجران برای کار در این شغل‌های دست پایین، انگیزه زیادی دارند، بنابراین یک انگیزه مهاجرتی قوی برای کارگران موقتی مهاجر وجود خواهد داشت که به‌عنوان عامل کششی مهاجرت عمل می‌کند (Hagen-Zanker, 2008: 7-8).

نظریه نظام جهانی والرشتاین به انباشت سرمایه از سوی کشورهای مرکز تمرکز دارد. براساس این نظریه جهان به سه بخش کشورهای پیرامون، نیمه پیرامون و مرکزی تقسیم شده است. مهاجرت از کشورهای پیرامون و نیمه پیرامون به مرکز اتفاق می‌افتد و این فرایند بخشی از فرایند انباشت سرمایه است. بر اساس نظریه وابستگی، کشورهای مرکز، وضعیتی ایجاد کرده‌اند که در نتیجه آن می‌توانند از منابع کشورهای جهان سوم برای مقاصد خود بهره‌برداری کنند و یکی از مهم‌ترین منابع این کشورها سرمایه انسانی آن‌هاست. نظریه بازار کار دوگانه و نظریه نظام جهانی به‌طور کل، این فرآیندهای تصمیم‌گیری در سطح خرد را نادیده می‌گیرند و به جای آن تأکیدشان بر روی نیروهایی است که در سطوح بالاتر انباشت سرمایه عمل می‌کنند. نظریه سیستمی بیشتر بر بُعد سیستم‌های جهانی تأکید دارد و عناصری از هر دو رهیافت کارکردگرایی و تضاد را به عاریت گرفته و به خصایص جوامع بعد از صنعتی در تحلیل‌هایش بهای فراوانی می‌دهد (Lahsai-Zadeh, 1989: 179). طرفداران این نظریه بر پویایی جریان‌ات مهاجرتی تأکید کرده‌اند. از نظر آنان ارتباط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نه به صورت تنها و جدا از هم بر مهاجرت تأثیر می‌گذارد؛ بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای تفکیک‌ناپذیر، بستر لازم را برای مبادلات مهاجرتی فراهم کرده و آن را تداوم می‌بخشد (Moboganj, 1970; Quoted From Lahsai-Zadeh, 1989).

در سطح میانه، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادهای اجتماعی و شبکه‌های روابط اجتماعی مطمح نظر قرار می‌گیرد. شبکه‌های مهاجرت مجموعه‌ای از روابط بین اشخاص هستند که مهاجران سابق در مقصد و غیرمهاجران را در مبدأ از طریق نسبت‌های خویشاوندی و روابط دوستانه با یکدیگر مرتبط می‌کنند. ارتباطات شبکه‌ای هزینه‌های مهاجرت را از طریق دادن اطلاعات و کمک در خصوص کسب شغل و درآمد و پناهگاه کاهش می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت روابط شبکه‌ای شکل دیگری از سرمایه اجتماعی است که نقش اولیه آن کاهش هزینه‌های مختلف و کاهش ریسک ناشی از جابه‌جایی‌های بین‌المللی و افزایش بازده خالص آن است (Mohei Eddin, 2009: 7).



در تبیین‌های سطح خرد خصایص، رفتارها و ویژگی‌های شخصیتی شکل گرفته در محیط اجتماعی، ارزش‌ها و انتظارات فردی مانند بهبود شرایط زندگی عاملی برای مهاجرت هستند. این سطح نظریه‌های اقتصاد خرد نئوکلاسیک، اقتصاد جدید مهاجرت، نظریه محرومیت نسبی و سرمایه انسانی را شامل می‌شود.

بر پایه نظریه اقتصادی نئوکلاسیک<sup>۱</sup> هر جا عرضه نیروی کار بیش از سرمایه باشد دستمزدها رو به کاهش می‌گذارد و در نقاطی که انباشت سرمایه بیش از نیروی کار باشد دستمزدها سیر صعودی می‌یابد، این وضع، مهاجرت نیروی کار را از منطقه نخست به منطقه دوم بر می‌انگیزد و تعادلی بین دستمزدها و نیروی کار ایجاد می‌کند (Zanjani, 2001: 121). به این ترتیب این تئوری بر روی تفاوت در دستمزدها و شرایط اشتغال بین کشورها و هزینه‌های مهاجرت تأکید می‌کنند و در کل حرکت‌های مهاجرتی را یک تصمیم فردی در نظر می‌گیرند که برای افزایش درآمد مهاجرت انجام می‌شود. مایکل تودارو، معتقد است تصمیم‌گیری برای مهاجرت تابع مجموعه ارزیابی‌های عقلانی است. فرد مهاجر با در نظر گرفتن هزینه و فایده در مورد مسائل مالی، و تفاوت درآمد مورد انتظار در مبدأ و مقصد، به مهاجرت دست می‌زند (Todaro, 1991; Mohseni and Adl, 2007).

به دنبال کاستی‌های تئوری نئوکلاسیک، نظریه اقتصادی جدید مهاجرت<sup>۲</sup> مطرح شد. بر اساس این نظریه که مقیاس‌های خرد را در نظر دارد، مهاجرت اقدامی است که از طرف افراد انجام می‌گیرد و به‌طور وسیعی در رابطه با عملکردی است که آنان در جامعه دارند و این امر نه تنها به منظور افزایش درآمد خانوارها و به حداکثر رساندن آن‌ها انجام می‌گیرد بلکه در جهت کاهش و به حداقل رساندن مخاطراتی نیز هست که بازار کار کشورهای مهاجر فرست با آن‌ها مواجه است (Zanjani, 2001: 122). بر اساس نظریه محرومیت نسبی، زمانی که جامعه قادر به تأمین نیازهای نسبی و احتیاجات افراد نباشد، احساس محرومیت از ارزش‌ها و امور مطلوب تحت شرایط خاصی احتمال بروز رفتارهای جمعی از جمله مهاجرت را افزایش می‌دهد (Lahsai-Zadeh, 1989). طبق این نظریه، برخی کشورهای در حال توسعه در مقطعی کوتاه از منافع تکنولوژی و فناوری‌های جدید بهره‌مند می‌شوند اما تداوم بهره‌مندی از این مواهب بنا به دلایل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی متوقف می‌شود و افراد دچار احساس محرومیت نسبی می‌شوند. بنابراین نخبگان،

<sup>1</sup> neoclassical economics

<sup>2</sup> new economics of migration

مهاجرت به کشورهای پیشرفته را ترجیح می‌دهند تا بار دیگر بتوانند زندگی با استانداردهای بالا را در سایه علوم و فنون جدید تجربه کنند (Fan, 2011). مجموعه نظریات سرمایه انسانی (سطح خرد) به عوامل یا فاکتورهای فشار و کشش اشاره می‌کند. نظریه سرمایه انسانی با تلقی مهارت و تخصص انسان به‌عنوان کلایی در بازار عرضه و تقاضای کار به تحلیل مهاجرت می‌پردازد. منظور آن است که نیروی انسانی پرورده از جایی به جای دیگر می‌رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشد. تصمیم افراد برای کوچ به مثابه نوعی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن تلقی می‌شود (Ershad, 2001). نظریه «اورت سی. لی» که به «تئوری عوامل دافعه - جاذبه» است، این نظریه به دلیل جامعیت بیشتر، یکی از نظریه‌های مطرح و کاربردی در حوزه تحقیقات مربوط به مهاجرت است. از دیدگاه لی، هیچ‌گاه نمی‌توان مجموعه دقیق عواملی که فرد را مجبور به مهاجرت یا از آن منع می‌کند، برشمرد اما می‌توان آن‌هایی را که از اهمیت بیشتری برخوردارند و یا به لحاظ کمی قابل اندازه‌گیری اند مورد شناسایی و توجه ویژه قرار داد، زیرا مهاجرت یک امر گزینشی است (Lee, 1966). این نظریه مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل عمده معرفی می‌کند:

۱. عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده و یا بازدارنده)

۲. عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و یا بازدارنده)

۳. عوامل موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد

۴. عوامل شخصی که به ویژگی‌های شخصی و روانی افراد مربوط است.

می‌توان گفت نظریه جاذبه و دافعه لی، به سطح میانه و خرد در زمینه مهاجرت توجه می‌کند و شاید یکی از دلایل توفیق آن نیز همین امر است. این سه سطح در هم تنیده هستند و جدا کردن آن‌ها از هم کار مشکلی است؛ بنابراین برای بررسی مهاجرت باید در هر سه سطح عمل کرد. چرا که ضعف یا قوت در هر کدام از این سطوح می‌تواند زمینه‌ساز مهاجرت شود.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به منظور مطالعه و بررسی آثار از روش فراتحلیل کیفی استفاده می‌کند. در مطالعات کیفی برخلاف تحقیقات کمی، تحلیل به کمک اعداد یا همبستگی‌های عددی صورت نمی‌گیرد، بلکه اهداف تحقیق به کمک طبقه‌بندی‌ها توصیف و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. فراتحلیل به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که در مقایسه با یک مطالعه و یا

مداخله واحد یا منفرد به شناختی بیشتر از پدیده‌های مورد نظر برسند. فراتحلیل با توجه به تأکید بر مشاهده عینی و صراحت در بازنگری و ارزیابی انتقادی، به‌عنوان معیاری مهم برای تلخیص پیکره دانش و پیشینه موجود، در بسیاری از حوزه‌ها پذیرفته شده است (Qazi Tabatabai and Vedadhir, 2010: 36). بنابراین، واحد تحلیل در فراتحلیل مطالعات انفرادی پژوهشگران مختلف در حوزه مورد بررسی است. در واقع در فراتحلیل، اطلاعات اولیه از منابع موجود جمع‌آوری و در نهایت ترکیب می‌شود و نتیجه‌ای حاصل می‌آید که تحقیقات به صورت پراکنده به آن نرسیده‌اند (Ali Babaei and Firozjaian, 2018: 21). در این مطالعه، مقالات داخلی چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی با موضوع مهاجرت‌های بین‌المللی و خارجی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

در ابتدای جستجو، بیش از ۶۰ مقاله مرتبط با موضوع مهاجرت‌های بین‌المللی یافت شد که تعدادی از آن‌ها بنا به دلایل ضعف روش‌شناختی، علمی پژوهشی نبودن مجلاتی که در آن چاپ شده بودند و قدیمی بودن از دایره تحلیل کنار گذاشته شدند. در نهایت ۵۰ مقاله برای تحلیل گزینش شدند. جامعه آماری تحقیق، ۵۰ مقاله‌ای است که با موضوع مهاجرت‌های بین‌المللی در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۹ از چهار منبع علمی، پایگاه مجلات تخصصی نور<sup>۱</sup>، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی<sup>۲</sup>، پرتال جامع علوم انسانی<sup>۳</sup> و بانک اطلاعات نشریات کشور<sup>۴</sup> شناسایی شدند و شامل واژه‌های مهاجرت، مهاجر، برون‌کوچی و فرار مغزها در عنوان بودند. با توجه به فراتحلیل مطالعات صورت گرفته پیش از سال ۱۳۸۳، و تلاش محقق به منظور بررسی مطالعات جدیدتر، این سال به‌عنوان نقطه مبدأ بررسی انتخاب شد.

در مرحله بعد با توجه به نمونه‌های پژوهش‌های پیشین، فهرستی از معیارهای مورد نظر برای فراتحلیل استخراج و تنظیم شد. این معیارها ابتدا برای هر یک از مقالات تکمیل و سپس یافته‌ها در قالب جداول مختلف ساماندهی، ارائه و توصیف شده است. معیارهای مورد بررسی در این فراتحلیل عبارتند از: قالب مقالات، حوزه پژوهشی، توزیع جغرافیایی پژوهش‌ها، سنخ‌شناسی پژوهشگران، بازه زمانی انتشار، جنسیت پژوهشگران، پیشینه تجربی و نظری، رویکرد نظری تحقیقات، روش‌شناسی، حجم نمونه، روش نمونه‌گیری،

<sup>1</sup> Noormags

<sup>2</sup> Sid

<sup>3</sup> Ensani.ir

<sup>4</sup> Magiran

تکنیک و روش‌های جمع‌آوری داده، اعتبار و پایایی، متغیر مستقل و وابسته، آزمون‌های آماری و نتایج فرضیه‌های تأیید شده مقالات و در نهایت راهکارها و پیشنهادات.

### یافته‌های پژوهش

#### ۱- قالب مقالات

در نمونه‌های بررسی شده بیش از ۹۴ درصد از مقالات در مجلات و فصلنامه‌های علمی - پژوهشی و حدود ۶ درصد نیز در مجلات علمی ترویجی به چاپ رسیده بودند.

جدول ۱: قالب مقالات

*Table 1: Article Template*

درصد	فراوانی	
94	47	علمی پژوهشی
6	3	علمی ترویجی
100	50	کل

نمودار ۱. قالب مقالات



#### ۲- حوزه پژوهشی

موضوع مهاجرت در رشته‌های مختلف تحصیلی بررسی شده است. در بین نمونه‌های مطالعه شده، رشته علوم اجتماعی شامل گرایش‌های جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی و توسعه اجتماعی بیشترین فراوانی، حدود ۶۳ درصد پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده و پس از آن مطالعات در حوزه علوم تربیتی؛ گرایش مدیریت آموزشی با حدود ۱۰ درصد، اقتصاد و مدیریت، حدود ۸ درصد، علوم سیاسی حدود ۶ درصد، حقوق بین‌الملل،

آینده‌پژوهی و بین رشته‌ای (رشته مطالعات زنان و شهرسازی) هر کدام ۲ درصد صورت گرفته است.

### جدول ۲: حوزه پژوهش

**Table 2: The Field of Research**

درصد	فراوانی	
64	32	علوم اجتماعی
10	5	علوم تربیتی
8	4	مدیریت
6	3	اقتصاد
6	3	علوم سیاسی
2	1	آینده‌پژوهی
2	1	حقوق بین‌الملل
2	1	بین رشته‌ای
100	50	کل

### نمودار ۲. حوزه پژوهش



### ۳- توزیع جغرافیایی پژوهش‌ها بر حسب استان، کشور و جهان

با نگاهی به جدول زیر مشخص می‌شود، حدود ۳۲ درصد از پژوهش‌ها در حوزه مهاجرت در مراکز پژوهشی یا دانشگاه‌های تهران تولید شده است. ۱۶ درصد از پژوهش‌ها در سطح کشور، ۱۱ پژوهش معادل ۲۲ درصد در سایر شهرها، ۱۴ درصد بین دو یا چند شهر و کشور (داخل و خارج) به صورت مقایسه‌ای، ۸ درصد از پژوهش‌ها در خارج از کشور

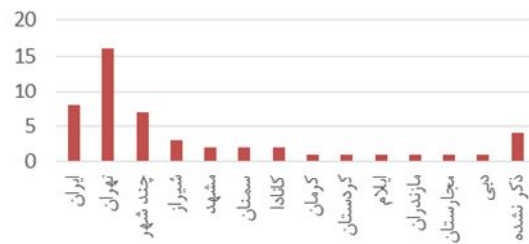
(یک پژوهش در دبی، یک پژوهش در شهر پیچ مجارستان، دو پژوهش در کانادا) صورت پذیرفته است.

جدول ۳: توزیع جغرافیایی

Table 3: Geographical Distribution

درصد	فراوانی	
16	8	سطح ملی
32	16	تهران
22	11	شهرستان‌ها
14	7	دو یا چندشهر
8	4	خارج از کشور
8	4	ذکر نشده

نمودار ۳.۳: توزیع جغرافیایی



#### ۴- سنخ‌شناسی و تحصیلات پژوهشگران

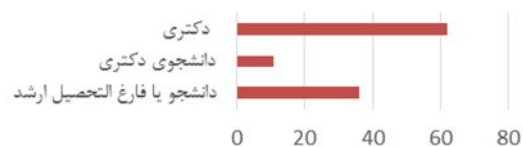
۷۶/۵ درصد از مقالات مشترک بین اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان انجام شده است، که بعضاً مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌های ارشد و دکترا را شامل می‌شدند. ۱۵/۷ درصد را اعضای هیئت علمی، ۷/۸ درصد را پژوهشگران مستقل و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها انجام داده‌اند. به این ترتیب بیشترین سهم از تولید مقاله در حوزه مهاجرت به دانشگاه‌ها (دانشجویان و اعضای هیئت علمی) می‌رسد. در بین نویسندگان، ۶۲ نفر دارای تحصیلات دکتری، ۱۱ نفر دانشجوی دکترا و ۳۶ نفر دانشجو یا فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد بودند.

جدول ۴: سنخ‌شناسی

**Table 4: Genealogy**

درصد	فراوانی	
76	38	مشترک (هیئت علمی و دانشجو)
16	8	اعضای هیئت علمی
8	4	پژوهشگران مستقل

نمودار ۴. تحصیلات پژوهشگران



#### ۵- بازه زمانی انتشار

معیار بازه زمانی، تاریخ انتشار مقالات در مجلات و نه تاریخ انجام پژوهش بوده است. پژوهش‌های پیش از سال ۸۳ به دلیل قدیمی بودن از دامنه تحلیل کنار گذاشته شدند. توجه به جدول ذیل، فراوانی پژوهش‌های انجام شده در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۱، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ بیش از دوره‌های دیگر است و در سه سال پایانی نیز روندی ثابتی را حفظ کرده است.

جدول ۵: بازه زمانی انتشار

**Table 5: Release Period**

درصد	فراوانی	
6	3	1383
4	2	1384
8	4	1385
6	3	1386
4	2	1387
8	4	1388
2	1	1389
2	1	1390
8	4	1391
4	2	1392
6	3	1393
12	6	1394
10	5	1396
10	5	1397
10	5	1398



### ۶- جنسیت پژوهشگران

۵۲ درصد از پژوهش‌ها توسط مردان، ۱۰ درصد توسط زنان و ۳۸ درصد نیز به صورت مشترک انجام شده است. سهم مردان در پژوهش‌های انجام شده، بیش از زنان است.

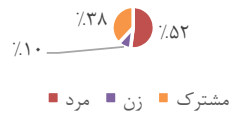
#### جدول ۶: جنسیت

Table 6: Gender

درصد	فراوانی	
52	26	مرد
10	5	زن
38	19	مشترک (زن و مرد)

#### نمودار ۶. جنسیت

#### پژوهشگران





## ۷- پیشینه تجربی و چارچوب نظری

از مجموع ۳۴ مقاله که از روش پیمایش در مطالعه خود استفاده کرده بودند، ۲۵ مقاله به مرور پیشینه تجربی پرداخته بودند و در صورت نداشتن پیشینه در آن حوزه، به این موضوع اشاره کرده بودند. در استفاده از چارچوب نظری در بین مطالعات، ۳۰ مقاله به چارچوب نظری در پژوهش خود اشاره داشتند در حالی که ۴ مقاله از هیچ چارچوب و نظریه‌ای استفاده نکرده‌اند. در بین مقالات بررسی شده، ۴ مقاله در حوزه مدیریت و علوم تربیتی، فاقد پیشینه تجربی و چارچوب نظری بودند. همچنین ۲ مقاله نیز صرفاً به مرور نظریات در حوزه مطالعاتی‌شان پرداخته بودند و به نظریه خاصی برای استفاده در مدل تحقیق اشاره نداشتند.

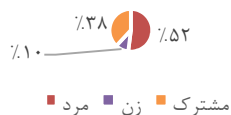
جدول ۷: پیشینه تجربی و نظری

Table 7: Experimental and Theoretical Background

ندارد	دارد	
9	25	پیشینه تجربی
4	30	چارچوب نظری

## نمودار ۶. جنسیت

## پژوهشگران



## ۸- رویکرد نظری تحقیقات

در بین مطالعاتی که با روش کمی انجام شده است، چارچوب نظری به صورت تلفیقی از نظریه‌ها و یا با استفاده از یک تئوری یا نظریه‌پرداز خاص نوشته شده است. در میان نظریه‌ها، تئوری جاذبه و دافعه لی و پس از آن نظریه جهانی شدن بیشترین فراوانی در مطالعات را داشته‌اند. از سایر تئوری‌ها و نظریه‌پردازان در حوزه مهاجرت بسته به موضوع مطالعه و سایر متغیرهای مستقل، استفاده شده‌اند.

## جدول ۸: رویکرد نظری

Table 8: Theoretical Approach

درصد	فراوانی	نظریه‌ها	درصد	فراوانی	
1/9	2	اعتماد و سرمایه اجتماعی	20	21	نظریه جاذبه و دافعه لی و کشش و رانش درونی
1/9	2	دیدگاه فمینیستی	7/6	8	نظریه نظام جهانی و مکتب وابستگی
1/9	2	رویکرد ساختاری	6/6	7	نظریه سیستمی
1/9	2	دیدگاه سیاسی	6/6	7	رویکرد اقتصادی
0/9	1	رویکرد تاریخی	6/6	7	نظریه سرمایه انسانی، نظریه سرمایه بومی داوانزو
0/9	1	رویکرد نهادی	5/7	6	نظریه شبکه
0/9	1	نظریه آلتباخ	3/8	4	دیدگاه‌های اجتماعی و فرهنگی
0/9	1	نظریه تودارو	3/8	4	دیدگاه‌های کلاسیک و کارکردگرایی
0/9	1	نظریه دیکنز، اوبرای و ویکس	2/8	3	نظریه محرومیت نسبی
0/9	1	نظریه فاصله اجتماعی	2/8	3	نظریه راونشتاین
0/9	1	رویکرد برون‌گرا و درون‌گرا	2/8	3	نظریه گیدنز
0/9	1	نظریه بحران منزلتی	2/8	3	دیدگاه تینتو
0/9	1	مدل و نظریه رفتاری	2/8	3	نظریه نیازها
0/9	1	دوگانگی ساختاری	1/9	2	نظریه نظام آموزشی اقتباسی
0/9	1	نظریه فیش‌باین و آیزن	1/9	2	نظریه بازار کار دوگانه
0/9	1	نظریه فشربندی	1/9	2	مکتب تضاد

## ۹- روش‌شناسی

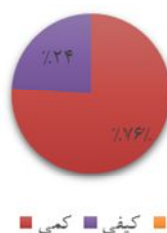
۵۲ درصد از مقالات با روش کمی و تحلیل ثانویه که تماماً از روش پیمایش استفاده کرده‌اند، ۲۲ درصد بیش از یک روش (پیمایش - اسنادی، پیمایش - اسنادی - دلفی، پیمایش - تحلیل ثانویه و تحلیل ثانویه - اسنادی، تحلیل ثانویه - توصیفی - تحلیلی)، ۱۲ درصد با روش کیفی (پدیدارشناسی، گرندد تئوری، تحلیل تماتیک، تحلیل محتوا) به مطالعه موضوع مهاجرت پرداخته‌اند. در صورتی که روش‌های عددی را کمی و روش‌های غیر عددی را به‌صورت کیفی تقسیم کنیم، می‌توان گفت در مجموع ۷۶ درصد مطالعات به روش کمی، ۲۴ درصد به روش کیفی در پژوهش عمل کردند.

## جدول ۹: روش تحقیق

Table 9: Research Method

درصد	فراوانی	
48	24	کمی
12	6	کیفی
4	2	تحلیل ثانویه
4	2	مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای
2	1	پانل دیتا
2	1	سری زمانی
6	3	توصیفی تحلیلی
22	11	دو روش یا بیشتر

## نمودار ۹. روش تحقیق



## ۱۰- حجم نمونه

دامنه حجم نمونه‌ها در تحقیقات از ۸ تا ۱۴۰۳۵ نفر است. کمترین حجم نمونه مربوط به پژوهش‌های کیفی ۸، ۲۲، ۱۱ بود و در پژوهش‌های کمی نیز کمترین حجم ۳۲، ۴۰ و ۵۰ نفر و بیشترین حجم ۱۲۱۷، ۱۵۲۲، ۴۲۶۷ و ۱۴۰۳۵ نفر را شامل می‌شدند. ۳ مورد از تحقیقات، ۴ درصد نیز به حجم نمونه اشاره‌ای نداشتند.

جدول ۱۰: حجم نمونه

**Table 10: Sample Size**

درصد	فراوانی	
22	11	۱۰۰ نفر و کمتر
40	20	بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ نفر
20	10	بیش از ۴۰۰ نفر
4	2	ذکر نشده

**۱۱- روش نمونه‌گیری**

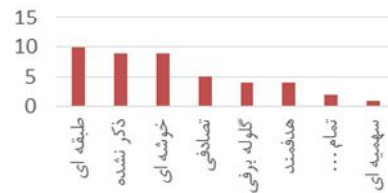
در بین پژوهش‌هایی که به صورت کمی، کیفی یا ترکیبی انجام شده و دارای نمونه‌گیری بودند؛ ۲۰ درصد به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای، ۱۸ درصد خوشه‌ای، ۱۰ درصد به شیوه تصادفی، ۸ درصد گلوله‌برفی و هدفمند، ۴ درصد تمام‌شماری، ۲ درصد به صورت سهمیه‌ای و ۹ مورد معادل ۱۸ درصد نیز با وجود داشتن حجم نمونه به‌طور صریح شیوه نمونه‌گیری خود را ذکر نکردند.

جدول ۱۱: روش نمونه‌گیری

**Table 11: Sampling Method**

درصد	فراوانی	
20	10	طبقه‌ای
18	9	خوشه‌ای
10	5	تصادفی
8	4	گلوله برفی
8	4	هدفمند
4	2	تمام‌شماری
2	1	سهمیه‌ای
18	9	ذکر نشده

نمودار ۱۱. روش نمونه گیری



## ۱۲- تکنیک و روش‌های جمع‌آوری داده

بیشترین روش مورد استفاده در جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه با ۶۰ درصد و پس از آن مصاحبه با ۱۲ درصد، استفاده از آمار از مراکز معتبر همچون بانک جهانی، سازمان ملل و ... ۱۰ درصد است، استفاده از کتب و اسناد با حدود ۱۰ درصد جایگاه بعد و روش‌های ترکیبی جمع‌آوری داده (پرسشنامه و مصاحبه) ۸ درصد از نتایج را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱۲: تکنیک جمع‌آوری داده

Table 12: Data Collection Technique

درصد	فراوانی	
60	30	پرسشنامه
10	5	بررسی آماری
12	6	مصاحبه
10	5	کتب و اسناد
8	4	پرسشنامه و مصاحبه - ترکیبی

## نمودار ۱۲. روش جمع آوری داده

۱۳- اعتبار<sup>۱</sup> تحقیق

در بین پژوهش‌هایی که از روش پیمایش در پژوهش خود استفاده کرده‌اند، ۴۴ درصد به اعتبار ابزار سنجش اشاره داشتند که اکثراً از اعتبار صوری به این منظور استفاده کردند. ۲۴ درصد نیز از اعتبار ابزار سنجش سخن نگفتند.

## جدول ۱۳: اعتبار تحقیق

Table 13: Validity of the Research

درصد	فراوانی	
44	22	ذکر شده
24	12	ذکر نشده
32	16	سایر روش‌های تحقیق

۱۴- پایایی<sup>۲</sup> تحقیق

در پژوهش‌هایی صورت گرفته به روش پیمایش، ۵۸ درصد به پایایی تحقیق اشاره داشتند و غالباً از روش آلفای کرونباخ استفاده کردند. ۱۰ درصد نیز به پایایی ابزار سنجش اشاره نکردند. از آنجا که اعتبار و پایایی ابزار سنجش نقش مهمی در اعتبار کل تحقیق و یافته‌ها دارد، لازم است محققان به توجه بیشتری به این امر نشان دهند و در تحقیقات از آن استفاده کنند.

<sup>1</sup> validity<sup>2</sup> reliability

## جدول ۱۴: پایایی تحقیق

Table 14: Research Reliability

درصد	فراوانی	
56	28	آلفای کرونباخ
2	1	کرونباخ و آزمون آزمون مجدد
10	5	ذکر نشده
32	16	سایر روش‌های تحقیق

## ۱۵- متغیرهای مستقل و وابسته

در اکثر پژوهش‌های انجام شده متغیرها به دو صورت تقسیم‌بندی شده‌اند: یک دسته از مطالعات متغیرها را بر اساس عوامل جاذبه و دافعه در مبدأ و مقصد یا عوامل کشش و رانش تقسیم کردند و دسته دیگر نیز متغیرها را بر اساس عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تقسیم کرده‌اند. اگر مهاجرت بین‌المللی را به منزله متغیر وابسته ( $Y$ ) در نظر بگیریم، متغیرهای مستقل ( $X$ ) را بر اساس نمونه‌های مطالعه شده، می‌توانیم به عوامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، علمی - آموزشی و زمینه‌ای تقسیم کنیم. در بین پژوهش‌های کمی و ترکیبی بررسی شده - مهاجرت، تمایل به مهاجرت، گرایش به مهاجرت، نگرش به مهاجرت، مهاجرت نخبگان، رفتار مهاجرتی، مهاجرت نیروی کار، فرار مغزها، دلایل مهاجرت - به‌عنوان متغیر وابسته در پژوهش استفاده شده است.

## جدول ۱۵: متغیرهای مستقل

Table 15: Independent Variables

عوامل اقتصادی
امکانات رفاهی، سطح توسعه رفاهی و اقتصادی، رضایت شغلی، داشتن شغل مناسب، فرصت‌های اشتغال، آزادی اقتصادی، وضعیت آتی اقتصاد جامعه، درآمد بهتر و امکان کارایی، امنیت شغلی، نرخ بیکاری
عوامل اجتماعی - فرهنگی
سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، هویت اجتماعی، هویت جمعی و ملی، هویت بازانديشانه، فشارهای اجتماعی، فاصله طبقاتی، شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی، استفاده از رسانه‌ها، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سبک زندگی، نگرش خانواده و دوستان، روابط خانوادگی، تعلقات خویشاوندی، گرایش مذهبی، ابعاد دینداری، تبلیغات، مد، امیدواری، آرمان‌گرایی توسعه‌ای، پایبندی به ارزش‌ها، نظام ارزشی، ابعاد عدالت اجتماعی، میزان بیگانگی اجتماعی و فرهنگی، میزان انطباق اجتماعی و فرهنگی، شایسته‌سالاری، امنیت هستی‌شناختی،

گستره و وسعت روابط نظام خویشاوندی، ارزش‌های اخلاقی، خدمات و تأمین اجتماعی، تأمین منزلت اجتماعی، تأمین حقوق زنان، آزادی در عقیده و مذهب و نوع پوشش، نگرش‌های جنسیتی، توسعه فرهنگی، نابرابری، نظارت اجتماعی
<b>عوامل سیاسی</b>
ساخت سیاسی، مشارکت سیاسی، تمایزات قومی، امنیت، قانونمندی جامعه، ضوابط پذیرش مهاجران، آزادی‌های فردی، آزادی سیاسی و مدنی، بی‌ثباتی سیاسی، فضای آزاد فکری، تعهد ملی، نگرش به نظام سیاسی، حقوق شهروندی، ثبات و امنیت سیاسی، دموکراسی، وطن-دوستی، فساد و خط قرمز بوروکراسی، حقوق سیاسی، جنگ تحمیلی
<b>عوامل علمی - آموزشی</b>
پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سن، جنس، وضع فعالیت، وضع تأهل، رشته و مقطع تحصیلی، درآمد، محل اقامت

### ۱۶- آزمون‌های آماری

در مطالعاتی که با روش کمی صورت گرفته است، به منظور سنجش روابط بین متغیرها از آزمون‌های آماری متفاوت و عموماً بیش از یک آزمون آماری استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از این است که انواع آزمون‌های رگرسیون شامل رگرسیون چند متغیره، لجستیک دو وجهی و چندگانه، آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس جزء محبوب‌ترین و پرتکرارترین آزمون‌ها هستند.

#### جدول ۱۶: آزمون‌های آماری

**Table 16: Statistical Tests**

درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
2/4	2	آزمون $T$ تک نمونه	22/2	18	انواع آزمون‌های رگرسیون
2/4	2	گاما	13/6	11	همبستگی پیرسون
2/4	2	آزمون کولموگروف اسمیرنف	11/1	9	تحلیل واریانس
2/4	2	آزمون مان‌وایتنی	9/9	8	خی دو
1/2	1	تحلیل عاملی	6/2	5	تحلیل مسیر
1/2	1	تای $C$ کندال	4/9	4	همبستگی اسپیرمن
1/2	1	تحلیل تشخیصی	4/9	4	معادلات ساختاری
1/2	1	ویلکاکسون	3/7	3	آزمون $T$ مستقل
1/2	1	آزمون کروسکال والیس	3/7	3	آزمون فریدمن
1/2	1	آزمون شاپیرو ویلک	2/4	2	وی کرامرز



**۱۷- نتایج فرضیه‌های تأیید شده**

در بین متغیرهای مستقل بررسی شده در فرضیات، متغیرهای ذیل به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با متغیر وابسته (تمایل، گرایش، نگرش و رفتار مهاجرت) در ارتباط بوده و آزمون‌های آماری مورد سنجش معنادار بوده‌اند. تعداد متغیرها از تعداد مطالعات بیشتر است زیرا در هر پژوهش چند متغیر مورد بررسی و سنجش قرار گرفته‌اند.

یافته‌های مطالعات کمی نشان می‌دهد، متغیر امکانات آموزشی و پژوهشی (شامل امکان ادامه تحصیل، جو علمی و فضای دانشگاه‌ها، عدم وجود بانک‌های اطلاعاتی، رضایت از نظام آموزشی، ساختار علمی کشور، سیستم آموزشی کشور پیشرفته، عدم قدردانی از نخبگان در داخل، فرصت‌ها و عوامل علمی، نامساعد بودن زمینه برای ادامه تحصیل، نظام آموزشی ناکارآمد، نگرش نسبت به جایگاه علم، ساختار و رویه اداری مراکز علمی اجرایی) در ۲۱ فرضیه ارتباط معنادار با مهاجرت دارد. می‌توان گفت یکی از دلایل اصلی مهاجرت دستیابی به امکانات آموزشی و پژوهشی مطلوب‌تر در جامعه مقصد و نارضایتی، ناکارآمدی و بی‌توجهی به نخبگان در جامعه مبدأ است. متغیر دومی که با فراوانی ۱۵ مورد در فرضیه‌ها تأیید شده شغل است. امنیت شغلی، رضایت شغلی و دستیابی به فرصت‌های اشتغال با مهاجرت در ارتباط است. مهاجران به امید دستیابی به فرصت‌های شغلی بهتر و امنیت شغلی بیشتر، مهاجرت می‌کنند. داشتن یا نداشتن شغل در این زمینه مؤثر است. به این معنی که افراد شاغل کمتر از افراد غیر شاغل به مهاجرت تمایل دارند. ارتباط متغیر جنس با مهاجرت نیز در ۱۰ فرضیه تأیید شد؛ و طبق آن مردان در مقایسه با زنان تمایل بیشتری به مهاجرت دارند. افراد مذهبی، دیندار با گرایش سنتی و محافظه‌کارانه تمایل کمتری به مهاجرت دارند. با افزایش سن از تمایل به مهاجرت کاسته می‌شود. در مقابل با افزایش تحصیلات تمایل به مهاجرت نیز افزایش می‌یابد. امکانات رفاهی شامل خدمات و تأمین اجتماعی و سطح کیفی زندگی در جامعه مبدأ و مقصد نیز در مهاجرت مؤثر است. برخی مطالعات متغیرها را به طور کلی به عوامل علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و روان‌شناختی تقسیم کرده بودند و ارتباط آن را با متغیر وابسته (مهاجر) مورد سنجش قرار داده‌اند و از ذکر ابعاد یا گویه‌ها در متن مطالعه پرهیز کرده‌اند.

## جدول ۱۷: فرضیه‌های تأیید شده

Table 17: Confirmed Hypotheses

درصد	فراوانی		درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
0/5	1	محرومیت نسبی	1/6	3	محل سکونت	11/1	21	علم، آموزش و پژوهش
0/5	1	تحصیلات پدر	1/6	3	ثبات سیاسی و امنیت	7/9	15	شغل
0/5	1	ارزیابی فایده مهاجرت	1/1	2	آزادی	5/3	10	جنسیت
0/5	1	نظارت اجتماعی	1/1	2	امنیت اجتماعی	4/8	9	مذهب و دین
0/5	1	فشارهای اجتماعی	1/1	2	سبک زندگی	4/2	8	سن
0/5	1	دموکراسی	1/1	2	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	4/2	8	درآمد
0/5	1	توسعه فرهنگی	1/1	2	طبقه اجتماعی	4/2	8	عوامل اقتصادی
0/5	1	آرمانگرایی توسعه‌ای	1/1	2	سرمایه اجتماعی	4/2	8	عوامل اجتماعی
0/5	1	حساس بیگانگی فرهنگی اجتماعی	1/1	2	فرصت‌های تحصیلی برای فرزندان	3/7	7	عوامل فرهنگی
0/5	1	تسلط به زبان خارجی	1/1	2	تمایزات قومی	3/7	7	تحصیلات
0/5	1	وضعیت اجتماعی و اقتصادی	1/1	2	پای‌بندی به ارزش‌ها و نظام ارزشی	3/7	7	تأهل
0/5	1	نگرش انتقادی به شرایط	1/1	2	نگرش نسبت به جایگاه زنان تحصیل کرده	3/2	6	عوامل سیاسی
0/5	1	نگرش به نقش جنسیتی	1/1	2	توجه به شایسته‌سالاری	3/2	6	امکان‌ات رفاهی
0/5	1	ادراک عدالت اجتماعی	0/5	1	رضایت از زندگی	2/1	4	پای‌بندی و تعلق به جامعه
0/5	1	مشارکت در فعالیت‌های علمی و آموزشی	0/5	1	میزان استفاده از رسانه	2/1	4	شبکه اجتماعی در خارج

درصد	فراوانی		درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
0/5	1	امنیت هستی‌شناختی	0/5	1	نظر گروه مرجع	2/1	4	مشارکت اجتماعی و سیاسی
0/5	1	عوامل روان - شناختی و سازمانی	0/5	1	استفاده از وسایل ارتباط جمعی	1/6	3	هویت اجتماعی و ملی
0/5	1	تحقق عملی هویت بازاندیشانه	0/5	1	قانونمندی جامعه	1/6	3	پیوند و تعلق به خانواده در داخل

#### ۱۸- راهکارها و پیشنهادات

پس از ارائه نتایج و یافته‌ها، برخی مطالعات کمی، به ارائه راهکار و پیشنهاداتی در جهت کاهش مهاجرت‌ها پرداخته‌اند. در این میان ۹ مطالعه فاقد پیشنهاد و راهبرد بودند و سایر مطالعات نیز راهکارهای کلی و کلان در این زمینه ارائه کرده‌اند. این راهبردها بخش‌ها و حوزه‌های مختلف را شامل می‌شود و نیاز به همکاری و همیاری همه‌جانبه همه نهادها دارد. به منظور درک بهتر، راهکارها را در حوزه‌های مختلف قرار دادیم؛ هر چند بسیاری از پیشنهادات در چند حوزه قرار می‌گیرند و با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و تفکیک آن‌ها کار دشواری است. در بخش کیفی نیز، مهم‌ترین نتایج پژوهش‌ها آورده شده است.

#### جدول ۱۸: مهم‌ترین راهبردهای پژوهش کمی

Table 18: The Most Important Quantitative Research Strategies

حوزه	
علمی - آموزشی	توزیع عادلانه امکانات علمی - پژوهشی بین نخبگان، صرف نظر از جنسیت، قومیت، مذهب و وابستگی‌های سیاسی، تدوین قوانین حمایتی از نخبگان و قانونمند کردن ساختار علمی کشور، ضابطه‌مند کردن رتبه‌های تحصیلی و فرصت علمی و مطالعاتی به نخبگان، تغییر و بازنگری در قوانین پذیرش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و استفاده از دارندگان مدرک کارشناسی ارشد به‌عنوان مربی در دانشگاه‌ها، بالاخص در مناطق محروم کشور؛ ایجاد زمینه‌های علمی و فراهم کردن امکان دسترسی نخبگان به اطلاعات جدید در حوزه‌های علمی؛ جلوگیری از رشد قارچ‌گونه دانشگاه‌ها و اهمیت دادن به کیفیت علمی آن‌ها؛ اصلاح دستگاه‌ها و مدیریت‌های علمی کشور با توجه به شایسته‌سالاری و سپردن مدیریت‌های علمی به افراد متخصص و متعهد، ایجاد شرایط مساوی و مناسب بین متخصصان و فراهم کردن امکانات بیشتر برای طالبان تحقیق و پژوهش؛ ساماندهی به وضعیت علمی دانشگاه‌های دولتی و غیر

حوزه	
	<p>دولتی با توجه به نیازهای جامعه، به منظور تولید دانش و فناوری در ایران، در جهت رشد و توسعه علمی کشور، تلاش به منظور نیل به جایگاه مناسب علمی کشور در روند جهانی شدن از طریق ایجاد، توسعه و تقویت زیرساخت‌های علمی لازم، بهبود و تقویت روند چرخش مغزها از طریق تسهیل و توسعه ارتباطات و مناسبات علمی - بین‌المللی، امنیت و آرامش دانشگاه‌ها و برقراری ارتباطات عاطفی با دانشجویان، ایجاد انگیزه کارآفرینی، تشویق جوانان و حمایت مالی از طرح‌ها، آگاهی دادن به دانشجویان قبل از انتخاب رشته تحصیلی و ایجاد ارتباط منطقی بین نوع رشته و دانشجو، برپایی سمینارها، انجمن‌ها و گروه‌ها برای بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت، توجه به ارزش‌ها و احترام به جوانان و دانشجویان، ایجاد شرایط مناسب جهت پژوهش، تحقیق و دسترسی آسان به منابع مورد نیاز برای دانشجویان، متعادل‌سازی ظرفیت رشته‌ها با نیازهای جامعه و نیاز بازار کار، اخذ نمایندگی از دانشگاه‌های معتبر جهان و استفاده از اساتید مجرب و کارآزموده خارجی، نوسازی و تجهیز امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی و اطلاع‌رسانی دانشگاه‌ها متناسب با تخصص‌ها و کارآمدی و شأن اعضای هیأت علمی و پژوهشگران هماهنگ با تحولات علمی؛ اصلاح نظام آموزش مدارس مبتنی بر تقویت خودباوری، احساس تعلق به هویت ملی و اسلامی و شناخت موازین فکری و فرهنگی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به منظور اجرای پروژه‌های پژوهشی مشترک میان دانشگاه‌های داخل با دانشگاه‌های خارج از کشور و با همکاری استادان ایرانی خارج از کشور و استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها در برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌ها صورت گیرد؛ تجهیز متخصصان از راه دور و همکاری با آنان برای توسعه کشور؛ طرح‌های مختلف حمایت اقتصادی و اجتماعی از استعدادها برتر و متخصصان جوان کشور نظیر اعطای مسکن، تخصیص بورس تحقیقاتی و بودجه‌های لازم برای راه‌اندازی پروژه‌ها و اجرای ایده‌های اقتصادی آنان و برداشتن موانع موجود؛ استفاده از رویکرد شبکه غیر متمرکز برای اتخاذ سیاست‌های منطقی به منظور استفاده از توان متخصصان مقیم خارج بدون آنکه نیاز به بازگرداندن دائم آن‌ها به کشور باشد</p>
اقتصادی	<p>ایجاد امنیت شغلی و اجتماعی مطلوب به دور از دغدغه برای فرهیختگان و از بین بردن تبعیض و تعصب در جذب نخبگان؛ ارتقای سطح زندگی و حل مشکلات فردی نخبگان؛ بالا بردن سطح دستمزد برای کادر علمی و فنی؛ مشکلات و تنگناهای اقتصادی با استفاده از برنامه‌ریزی همه‌جانبه کاهش یابد، امکانات رفاهی، امنیت شغلی و طرح‌های حمایتی، حداقل در مورد نخبگان جامعه تقویت گردد، تأسیس یک مرکز کارپایی برای فارغ‌التحصیلان</p>
اجتماعی - فرهنگی	<p>ایجاد فرصت‌های لازم برای رشد توانایی‌های فردی، مهارت‌های زندگی و فرهنگ‌های بومی با رویکردی تلفیقی؛ می‌توان با افزایش اعتماد اجتماعی نهادی از طریق عملکرد مناسب و برطرف کردن مسایل ساختاری (نظیر بیکاری، مفاسد مالی و اقتصادی و</p>

حوزه	
	<p>غیره)، تمایل به مهاجرت خارج از کشور را کاهش داد، تحکیم رابطه خویشاوندی، تقویت حس وطن‌دوستی توسط رسانه‌های جمعی و معرفی موارث فرهنگ ایرانی و اسلامی به مردم؛ اقدام لازم برای کاهش فاصله بین شهرهای کوچک و بزرگ و روستاهای کشور به منظور جلوگیری از تمرکز متخصصان و افراد ماهر در دو یا چند شهر و در پایتخت؛ در مورد آشفته‌گی‌های سیاسی اجتماعی اصلاحاتی صورت گیرد، هدایت نخبگان به مشاغل هماهنگ و مبتنی بر تخصص آنان، می‌تواند در کاهش فرار مغزها تأثیرگذار باشد، استفاده از ظرفیت بسیار ارزشمند نهفته در سبک زندگی ایرانی شامل ارزش‌ها باورها و عقاید اجتماعی، جهت کنترل فرار مغزها باید در سرلوحه امور قرار گیرد، عدم تقویت فرهنگ مهاجرت از سوی مشوقان، ایجاد حس هویت و غرور ملی در میان دانش‌آموزان، تشویق و ترغیب والدین به ارتباط بیشتر با فرزندان‌شان به گونه‌ای که بتوانند زمان بیشتری را با هم بگذرانند، تقویت حس وطن‌دوستی و ارزش‌های دینی و به تبع بعد پیامدی دینداری در اعضای جامعه به خصوص قشر تحصیل کرده گامی مؤثر در کاهش مهاجرت این نیروها به خارج از کشور برداشته شود</p>
سیاسی	<p>تدوین سیاست‌های تشویق بازگشت نخبگان مهاجر به ایران و ایجاد شرایط مساعد برای آنان؛ دادن آزادی بیان و اندیشه به نخبگان در چارچوب قانون برای مشارکت در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، استفاده از روشنفکران و نخبگان در تدوین خط-مشی‌های کلان دولت، رونق مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی، تغییر و بهبود قوانین و مقررات و تدوین نظام اداری مبتنی بر شایسته‌سالاری، هماهنگی و تناسب در تربیت نیروی متخصص مورد نیاز، استفاده از تجربه کشورهای دیگر در زمینه جذب نخبگان، پذیرش عقاید جوانان بدون مداخله تعصبات مربوط به عقاید، رفع عوامل تنش‌زا در داخل کشور که موجب راندن دانشجویان به خارج از کشور می‌شود، آزادی بیان جوانان، توسعه و ایجاد موقعیت‌های لازم جهت کار متخصصان؛ افزایش بودجه سرمایه‌گذاری در بخش علوم و تحقیقات، تنظیم سیاست آموزشی در جهت جذب بیشتر دانش‌آموختگان به بازار کار؛ جلوگیری از سیاسی شدن بیش از حد محیط‌های علمی و ایجاد تشنج در آنها؛ گسترش کیفی دوره‌های دکترا و فراهم ساختن امکان اعزام بورسیه از میان استعدادهای درخشان، دانشجویان دکترا و فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد بدون بهره‌گیری از روابط شخصی یا جناحی؛ تقویت جاذبه‌های اجتماعی و شغلی در کشور و کاهش دافعه‌های موجود از طریق فعالیت‌های فرهنگی، ایجاد زیرساخت‌ها و تدوین قوانین حمایتی؛ کاهش بوروکراسی در نهادهای علمی و صنعتی کشور و توسعه و نهادینه‌سازی نظام مدیریت مشارکتی؛ حل مشکلات مربوط به ادامه تحصیل و خدمت وظیفه عمومی فرزندان دانشجو و دانش‌آموز متخصصان ایرانی که خواستار بازگشت به میهن هستند</p>

## جدول ۱۹: مهم‌ترین یافته‌های پژوهش کیفی

Table 19: The Most Important Findings of Qualitative Research

موضوع	
تجربه زیسته زنان از مهاجرت	مهم‌ترین مفاهیم بدست آمده از تجربه اجتماعی زنان از مهاجرت عبارتند از: تغییر در تجربه زیست اجتماعی، تغییر در تجربه زیست آموزشی، تغییر در نحوه مواجهه با مسائل مالی، تفاوت‌های آب و هوایی، تجارب مبتنی بر زبان، تجارب مبتنی بر نابرابری، تغییر در تجارب مبتنی بر کار، تغییر در تجارب مبتنی بر فراغت، مواجهه با فضای زندگی روزمره متفاوت؛ مقولات هسته‌ای: تجربه تحول یافته از زندگی روزمره، تغییرات ملموس از شرایط زیست اجتماعی
تمایل به مهاجرت در بین جوانان: مطالعه‌ای کیفی در تصاویر آینده	۳ تم اصلی نتایج: تصاویر ویران‌شهری از مبدأ، پیروی از یک همه‌گیری برای رفتن، جاذبه مقصد، تصاویر قوی محرک مهاجرت به شمار می‌آیند. در تصاویر ویران‌شهری: بدبینی به فضای آموزشی دانشگاه، ویران‌شهر محیط زیستی، بی‌عدالتی اقتصادی، به خاطر بچه‌ها، محکوم در تاریکی، به آینده شخصی خود امیدوار و خوش‌بین و به آینده‌های جمعی (ملی و بین‌المللی) ناامیدند. تصاویر آینده محرک مهاجرت: همه‌گیری رفتن، جاذبه مقصد و تصاویر مثبت از کشورهای دیگر
جوانان، جهانی شدن و مهاجرت‌های بین-المللی: پژوهشی در میان نخبگان جوان	مضامین اصلی: فشار هنجاری و تأثیر گروه‌های مرجع، خطرپذیری، گرایش‌های جهان وطنی، عاملیت، استقلال عمل و ارزش‌های فردگرایانه، ارزش‌ها، آرزوها و ویژگی‌های هویتی، تعارضات اخلاقی و رابطه حق و تکلیف، کیفیت زندگی: ما و آن‌ها
چرایی خودداری نخبگان از مهاجرت، بازنمایی هویت استادی	مضمون بنیادین: میهن‌پرستی آکادمیک مقوله‌ها: ۱- با جامعه، ۲- برای جامعه با جامعه: ارتباط پویا با محیط بیرونی: ایجاد ساختارهای جدید، احیای ارزش علم و تحصیل، خدمات مشاوره‌ای با جامعه: تعهد به سازمان: بازاریابی برای جامعه: آموزش و تربیت نیروی انسانی، آموزش نیروی کار کنونی، آموزش دانشجویان به مثابه آینده‌سازان کشور برای جامعه: پژوهش و تولید علم نو، تحقیق و پژوهش گره‌گشا، تولید دانش نو بومی
سودای مهاجرت: میل به مهاجرت و تصویر ذهنی از غرب در تجربه دانشجویان مهاجران ایرانی	مطالعه مهاجرت نباید محدود به مهاجران شود، چرا که در تصمیم به مهاجرت علاوه بر شخص مهاجر جامعه بزرگتر نیز حضور قابل توجهی دارد. علاوه بر مهاجران، جمعیت بسیار بزرگ دیگری هم وجود دارند که میل به مهاجرت دارند اما این خواسته آنان هیچ‌گاه محقق نمی‌شود، توجه به این گروه برای درک ماهیت و میزان گستردگی میل به مهاجرت در یک جامعه ضرورت دارد. در بسیاری موارد مهاجرت با یک تصویر ذهنی آرمان شهری، از کشور مقصد

موضوع	
صورت می‌گیرد. این تصویر ذهنی اغلب در سنین پایین ایجاد شده و الزاماً مربوط به دوران بزرگسالی و مبتنی بر محاسبه هزینه فایده نیست. شناخت این تفاوت بر محتوا و کارایی پاسخ‌های موجود به سؤال از مهاجرت؛ چه از سوی دولت‌ها و چه از سوی افراد، تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد	
گرایش به مهاجرت به خارج در جامعه پزشکی ایران: مطالعه‌ای کیفی	برای تبیین گرایش مهاجرت؛ تحلیل داده‌ها به استخراج دو طبقه اصلی شامل دافعه‌های مبدأ با ۵ زیرمقوله عوامل اقتصادی - شغلی، عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل سیاسی - مذهبی، عوامل آموزشی - تحصیلی، عوامل شخصی و جاذبه‌های مقصد با ۵ زیرمقوله قانونمندی و روابط، احساس امنیت، امکانات رفاهی و مادی، فرصت‌های آموزشی و فرصت‌های شغلی منجر شد

### جمع‌بندی و ارزیابی

جمع‌بندی و ارزیابی در دو بخش ارائه خواهد شد. در بخش اول به ارائه نقاط قوت و ضعف پژوهش‌ها و نتایج فراتحلیل می‌پردازیم و در بخش دوم با اتکاء به نتایج پژوهش‌های بررسی شده، از دیدگاه توسعه‌محور آمارتیا سن به تحلیل مهاجرت‌های بین‌المللی خواهیم پرداخت.

#### ۱- بخش اول: نتایج فراتحلیل

تصویر کلی به‌دست آمده از فراتحلیل کیفی آثار نشان داد که پژوهش‌های انجام شده به رغم داشتن نقاط قوت، متأثر از نقاط ضعف نظری و روش‌شناختی هستند. کم‌توجهی به اعتبار و پایایی ابزار سنجش، تعمیم نتایج به رغم استفاده از نمونه‌های کوچک و غیر احتمالی، نداشتن فرضیه و سؤال در پژوهش، حضور کمرنگ همکاری‌های بین‌رشته‌ای، عدم استفاده از روش‌های ترکیبی و آمیخته (کمی و کیفی توأمان) به منظور شناخت سطوح و جنبه‌های مختلف موضوع از جمله نقاط ضعف پژوهش‌های صورت گرفته هستند. محققان حوزه مهاجرت اظهار می‌کنند که "شناخت کامل فرآیندهای مهاجرتی معاصر تنها با اتکا به ابزارهای یک رشته و یا با تمرکز بر یک سطح تجزیه و تحقیق حاصل نخواهد شد" (*Massey & et. al., 1993*). با توجه به اینکه موضوع مهاجرت پدیده‌ای چندوجهی است، طبیعتاً محققین حوزه‌های مختلف در کنار هم بهتر می‌توانند ابعاد فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موضوع را شناسایی کنند. محققین حوزه روانشناسی با شناخت انگیزه‌های فردی، حوزه جامعه‌شناسی با شناسایی آثار و تبعات خروج نیروی انسانی و

دلایل ایجاد کننده شرایط برون کوچی آن‌ها، حوزه اقتصاد و علوم سیاسی با شناسایی تبعات و آثار اقتصادی و سیاسی می‌توانند جنبه‌های مختلف این موضوع را واکاوی کنند. فقر نظریه‌سازی بومی با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، کمبود پیمایش‌های طولی و ملی منسجم، فقدان پایگاه داده آماری دقیق از تعداد مهاجرین کشور از دیگر ضعف‌های پژوهش در این حوزه است. در این زمینه لازم است سامانه‌های جامع اطلاعاتی از دانش‌آموختگان، دانشجویان و اساتید داشته باشیم؛ و به‌طور جدی تحولاتی اساسی در حوزه دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی، منابع آموزشی و شیوه‌های یادگیری ایجاد کنیم. متناسب با نیاز صنعت و بخش‌های مختلف انسانی و اجتماعی، رشته‌های دانشگاهی و نیروی متخصص تربیت کنیم. رصد تعداد مهاجرین و بررسی روند خروج از کشور در سال‌های مختلف، استفاده از پیمایش‌های در سطح کلان به منظور شناسایی نیازهای نیروی انسانی جوان، می‌تواند راهگشای مناسبی برای شناخت و درک وضعیت کشور باشد. ضعف دیگر مربوط به ارائه اطلاعات ناقص در مقالات پژوهشی است. در حالی که در چکیده و یا نتیجه‌گیری مقاله، از متغیرهای وابسته اثرگذار و یا معنی‌دار بر مستقل نام برده شده، در بخش یافته‌ها و آزمون آماری هیچ اطلاعاتی از آن‌ها داده نشده است. این موضوع در مورد چارچوب نظری، آزمون‌های اعتبار و پایایی و آزمون‌های آماری نیز به چشم می‌خورد. به‌طور مثال محقق مجموعه‌ای از نظریه‌ها را در کار آورده است ولی در نهایت اشاره‌ای به چارچوب نظری مورد استفاده خود نمی‌کند و یا از برخی آزمون‌ها در چکیده و یا نتیجه‌گیری نام می‌برد که در بخش یافته‌ها هیچ نشانی از آن‌ها وجود ندارد. به‌عبارتی محققین در برخی مقالات صرفاً بخش‌هایی از پایان‌نامه یا طرح پژوهشی خود را بدون توجه به ارتباط و پیوستگی آن با ساختار و پاراگراف قبلی و بعدی در مقاله، کپی کرده‌اند. از طرف دیگر این موضوع نشان می‌دهد فرایند داوری در برخی مجلات علمی - پژوهشی نیز به‌طور دقیق و کامل اجرا نمی‌شود و مقالاتی با بنیه ضعیف علمی و روش‌شناختی به راحتی در این مجلات چاپ می‌شوند.

از سوی دیگر، برخی از مقالات با وجود عنوان علمی - پژوهشی صرفاً اطلاعاتی ناقص و مخدوش ارائه کرده‌اند، و گام‌های اصلی که لازمه روش اصولی و علمی در پژوهش کمی است برنداشته‌اند. این ضعف روش‌شناختی در رشته‌های غیر از علوم اجتماعی به وفور به چشم می‌خورد. در این راستا محقق این پژوهش در صدد بود به منظور انجام فراتحلیل کمی، تعدادی از متغیرهای زمینه‌ای و وابسته در این پژوهش‌ها را به منظور سنجش اندازه اثر بکار ببرد، با وجودی که ۳۴ مورد از مطالعات با روش کمی انجام شده بود اما به دلیل



ارائه اطلاعات ناکافی و ناقص، عملاً انجام این مهم محقق نشد. این موضوع نشان می‌دهد با وجودی که ۵۰ مقاله در این کار بررسی شده و همه آن‌ها در مجلاتی با رده علمی پژوهشی چاپ شده‌اند عملاً اطلاعات دقیق و منسجمی از موضوع ارائه ندادند و صرفاً به ارائه یافته‌هایی مخدوش و ناقص بسنده کرده‌اند. از آنجایی که فراتحلیل زمانی امکان‌پذیر است که علاوه بر تعدد پژوهش‌ها پیرامون یک موضوع، معیارهای تحقیق نظیر اعتبار، پایایی، نمونه‌گیری و ... مورد التزام جدی قرار گرفته باشند، لازم است در انجام پژوهش‌ها دقت بیشتری به عمل آید. البته نباید کار علمی و دقیق برخی مطالعات را نادیده گرفت اما واقعیت امر از این حکایت دارد که بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته در کشور، صرفاً عنوان علمی بودن را یدک می‌کشند و چیز زیادی را به دامنه علم اضافه نمی‌کنند. ما در کشور به لحاظ کمی و تعداد چاپ مقالات شاید سرآمد باشیم اما به لحاظ کیفی و محتوایی، مقالات چاپ شده دارای ضعف‌های جدی هستند. نگاشت مطالعات انتقادی از این دست می‌تواند در نظارت جامعه علمی بر انجام پژوهش‌ها مؤثر باشد.

به منظور اجرای فراتحلیل یکی از موارد کلیدی، تراکم تحقیقات و دسترسی آسان به آن‌ها است. یکی از مشکلاتی که در عرصه جمع‌آوری اطلاعات و مطالعات در حوزه مهاجرت وجود داشت این بود که دسترسی به بسیاری از پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی ملی و کلان، و برخی مقالات وجود نداشت. هر چند در پایگاه‌های داده‌ای چون گنج دسترسی به پایان‌نامه‌ها وجود دارد، اما عملاً تمام پایان‌نامه‌ها در آن بارگذاری نشده‌اند و از سوی دیگر برخی پایان‌نامه‌ها، اطلاعات ناقصی ارائه کرده‌اند. به‌طور مثال در مواردی صرفاً چکیده اثر پژوهشی وجود دارد نه اطلاعات کامل، اطلاعات پایان‌نامه‌های برخی دانشگاه‌ها در این سامانه وجود ندارد و پژوهش‌های جدیدتر؛ مربوط به سال ۱۳۹۹ و سال ۱۳۹۸، هنوز در این سامانه بارگذاری نشده‌اند. لذا لازم است نسبت به الکترونیکی شدن پژوهش‌های انجام شده در کشورمان اهتمام بیشتری به خرج داده شود، زیرا رکن اساسی فراتحلیل دستیابی کامل و جامع به پژوهش‌های انجام شده است. هر چه تعداد مطالعات و پژوهش‌های وارد شده در فراتحلیل بیشتر باشد، یافته‌های حاصل از آن نیز دقیق‌تر و قابل اتکاتر خواهد بود.

در جمع‌بندی برای پاسخ به سؤالات مطرح شده در پژوهش نیز می‌توان گفت، در بین نمونه‌های مورد بررسی، رشته علوم اجتماعی شامل گرایش‌های جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی و توسعه اجتماعی بیشترین فراوانی پژوهش‌ها، (حدود ۶۳ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند. در بین روش‌ها نیز، روش پیمایش و تحلیل ثانویه (در مجموع ۵۲

درصد) بیش از سایر روش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. چارچوب نظری در پژوهش‌ها به صورت تلفیقی از نظریه‌ها و یا با استفاده از یک تئوری یا نظریه‌پرداز خاص نوشته شده است. در میان نظریه‌ها، تئوری جاذبه و دافعه لی و پس از آن نظریه جهانی‌شدن بیشترین فراوانی در مطالعات را داشته‌اند.

در اکثر پژوهش‌های انجام شده متغیرها به دو صورت تقسیم‌بندی شده‌اند: یک دسته از مطالعات، متغیرها را بر اساس عوامل جاذبه و دافعه در مبدأ و مقصد یا عوامل کشش و رانش تقسیم کردند و دسته دیگر نیز متغیرها را بر اساس عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تقسیم کرده‌اند. یافته‌های مطالعات کمی نشان می‌دهد، متغیر امکانات آموزشی و پژوهشی (شامل امکان ادامه تحصیل، جو علمی و فضای دانشگاه‌ها، عدم وجود بانک‌های اطلاعاتی، رضایت از نظام آموزشی، ساختار علمی کشور، سیستم آموزشی کشور پیشرفته، عدم قدردانی از نخبگان در داخل، فرصت‌ها و عوامل علمی، نامساعد بودن زمینه برای ادامه تحصیل، نظام آموزشی ناکارآمد، نگرش نسبت به جایگاه علم، ساختار و رویه اداری مراکز علمی اجرایی) در ۲۱ فرضیه ارتباط معنادار با مهاجرت دارد. می‌توان گفت یکی از دلایل اصلی مهاجرت دستیابی به امکانات آموزشی و پژوهشی مطلوب‌تر در جامعه مقصد و نارضایتی، ناکارآمدی و بی‌توجهی به نخبگان در جامعه مبدأ است. متغیر دومی که با فراوانی ۱۵ مورد در فرضیه‌ها تأیید شده شغل است. امنیت شغلی، رضایت شغلی و دستیابی به فرصت‌های اشتغال با مهاجرت در ارتباط است. مهاجران به امید دستیابی به فرصت‌های شغلی بهتر و امنیت شغلی بیشتر، مهاجرت می‌کنند. داشتن یا نداشتن شغل در این زمینه مؤثر است. به این معنی که افراد شاغل کمتر از افراد غیر شاغل به مهاجرت تمایل دارند. ارتباط متغیر جنس با مهاجرت نیز در ۱۰ فرضیه تأیید شد. و طبق آن مردان در مقایسه با زنان تمایل بیشتری به مهاجرت دارند. افراد مذهبی، دین‌دار با گرایش سنتی و محافظه‌کارانه تمایل کمتری به مهاجرت دارند. با افزایش سن از تمایل به مهاجرت کاسته می‌شود. در مقابل با افزایش تحصیلات تمایل به مهاجرت نیز افزایش می‌یابد. امکانات رفاهی شامل خدمات و تأمین اجتماعی و سطح کیفی زندگی در جامعه مبدأ و مقصد نیز در مهاجرت مؤثر است.

## ۲- بخش دوم: تحلیل مهاجرت‌ها با رویکرد قابلیت آمارتیا سن

از آنجا که برون‌کوچی و از دست دادن سرمایه انسانی خللی جدی در مسیر توسعه کشور ایجاد می‌کند به منظور تحلیل وضع موجود از رویکرد آمارتیا سن بهره بردیم. از

دیدگاه سن آزادی، مفهوم توسعه انسانی را رشد می‌دهد و امکان درک عمیق‌تری از رابطه مهاجرت و توسعه را فراهم می‌کند. کاربرد رویکرد قابلیت نیز امکان ارزیابی بهتر از ویژگی‌های ذاتی توسعه، مهاجرت بین‌المللی و اثرات و پیامدهای آن برای آزادی افراد فراهم می‌کند.

با استفاده از نگاه سن می‌توانیم از دو بُعد، مهاجرت نیروی انسانی را بررسی کنیم. از یک‌سو باید موانع و دافعه‌های مبدأ که منجر به مهاجرت می‌شود شناسایی کنیم و از سوی دیگر به پیامدهای فقدان نیروی انسانی متخصص در کشور، که مسیر توسعه را با چالش مواجه می‌کند بپردازیم.

آمارتیا سن به توسعه به مفهوم گسترش آزادی‌های اساسی می‌نگرد و هدف نهایی توسعه را نیز رسیدن به آزادی می‌داند. به عبارتی آزادی را به‌عنوان سنجش برای کیفیت زندگی انسان‌ها تلقی می‌کند و در این مسیر به مفهوم توسعه انسانی و نقش انسان در این فرایند اشاره دارد. آزادی به فرصت واقعی برای تحقق آنچه که برایمان ارزشمند است، اطلاق می‌شود. از دیدگاه سن، بخشی از زندگی خوب به زندگی اطلاق می‌شود که در آن انتخاب واقعی و اصیل وجود دارد و نه زندگی‌ای که فرد مجبور به اتخاذ سبک خاصی می‌شود، حتی اگر در سایر زمینه‌های دیگر غنی باشد.

از دید آمارتیا سن در جهان امروزی از یک‌سو شاهد وفور نعمات مادی، تحولات سریع اقتصادی، گسترش دموکراسی، مشارکت و آزادی‌های سیاسی و حقوق بشر و افزایش طول عمر مردم، در برخی کشورها هستیم و از سوی دیگر هنوز در برخی کشورهای وجود بدبختی و ظلم، فقر پایدار، کمبود امکانات برای رفع نیازهای اساسی و اولیه، گرسنگی و قحطی، بی‌توجهی به آزادی‌های اولیه و بنیادین سیاسی، نادیده گرفتن علائق و نقش زنان و بی‌توجهی نسبت به محیط زیست به چشم می‌خورد. در کشوری که فرصت برای تحقق آزادی واقعی فراهم باشد، انواع مختلف آزادی‌های سیاسی، فرصت‌های اجتماعی و تسهیلات اقتصادی می‌توانند به تقویت یکدیگر بینجامند. کیفیت زندگی بهتری را برای فرد به ارمغان بیاورند و رفاه و آرامش بیشتری را برای دستیابی به اهداف وی فراهم کنند. در حالی که در برخی کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه و فقیر فقدان آزادی اقتصادی می‌تواند منجر به فقدان آزادی اجتماعی شود، درست همان‌طور که فقدان آزادی اجتماعی یا سیاسی نیز می‌تواند منتهی به فقدان آزادی اقتصادی شوند.

دیدگاه آمارتیا سن در مورد توسعه با گسترش آزادی، انتخاب و توانایی‌های فردی مشخص می‌شود. این آزادی‌ها به زمان و مکان ساخت آن‌ها و همچنین به شخص بستگی

دارد. سن فقر را محدودیت در آزادی‌های اساسی از جمله فرصت‌های ضعیف اقتصادی، بیکاری، حقوق پایین، محرومیت‌های اجتماعی، بی‌توجهی به امکانات عمومی و عدم تحمل می‌داند.

رویکرد قابلیت فقط محدود به دستاوردهای اقتصادی نیست بلکه به نتایج و پیامدهای مختلف علاقمند است و تمام عواملی که منجر می‌شود زندگی یک شخص قدر و ارزش یابد، در نظر می‌گیرد. یکی از نقاط قوت رویکرد قابلیت لایه‌های مختلف تحلیلی آن است. با وجود چشم‌انداز فرد محور به توسعه انسانی، این رویکرد سیستم‌های پیرامونی را که در کشورهای مبدأ و مقصد غالب است نیز در نظر می‌گیرد - از جمله رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و زیرساخت‌های اجتماعی شکوفا - که نتایج توسعه را شکل می‌دهد. بنابراین، رویکرد قابلیت امکان توضیح مهاجرت بین‌المللی را به‌عنوان محصول شرایط کلان، بدون چشم‌پوشی از چشم‌انداز فرد می‌دهد (Juran, 2016: 25).

از نظر سن هدف اصلی توسعه غلبه بر این مشکلات و ناکارآمدی‌ها و رسیدن به آزادی واقعی است. نیروی انسانی زمانی حاضر به ترک کشور و تحمل سختی‌ها و مخاطرات مهاجرت می‌شود که شرایط تحقق آزادی واقعی را دشوار ببیند و با محدودیت‌های جدی در این عرصه مواجه باشد. مهاجرت داوطلبانه خود می‌تواند به‌عنوان تمرین آزادی حرکت درک و دانسته شود. عملکردها و عواقبی که مهاجران و خانواده‌های آن‌ها می‌توانند با استفاده از تمرین آزادی حرکت‌شان بدست آورند، بستگی به زمینه‌ای که مهاجرت در آن اتفاق می‌افتد و عاملیت فرد دارد (Ibid).

طبق نتایج مطالعات انجام شده، یکی از انگیزه‌های اصلی مهاجران و دافعه مبدأ، به دلایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شود. از مشکلات معیشتی و اقتصادی تا عدم آزادی و فقدان شایسته‌سالاری در عرصه‌های مختلف. در حالی که در کشور مقصد وجود همین عوامل از نقاط جاذبه به حساب می‌آید و مهاجران با تمام مشکلات فرهنگی و مسائل انطباقی با جامعه جدید، باز هم به مهاجرت مبادرت می‌ورزند. به‌عنوان مثال، بیکاری و عدم اشتغال‌زایی از محدودیت در ظرفیت جذب محدود بازار کار ناشی می‌شود. برای دستیابی به سطوح بالاتر توسعه و کاهش فقر، محدودیت‌های مختلف و موانع آزادی که مردم متحمل می‌شوند باید برداشته شود (Sen, 2002). مدل جدید اقتصاد مهاجرت نیروی کار، فرض می‌کند که خانوارها نه فقط برای به حداکثر رساندن درآمد بلکه برای به حداقل رساندن خطر، کار می‌کنند (Stark, 1991). طبق این مفهوم‌سازی، مهاجرت، ابزاری را برای ایجاد تنوع در درآمد پدید می‌آورد تا بهتر بتواند خطراتی که خانوارها در

معرض آن هستند، مدیریت کند. از آنجا که یک یا چند عضو خانواده در خارج از کشور دستمزد بالایی دریافت خواهند کرد و می‌توانند بخشی از درآمد خود را پس‌انداز کنند، اعضای یک خانواده به دلایل رکود و بحران آسیب زیادی نخواهند دید. به این ترتیب هنگامی که شبکه‌های مهاجرت به خوبی توسعه یافته باشند، آن‌ها یک کار در مقصد را به آسانی در دسترس اکثر اعضای جامعه قرار می‌دهند و این امر مهاجرت را به یک منبع قابل اعتماد و نسبتاً بدون ریسک تبدیل می‌کند (Massey, 1987). احتمالاً در این شرایط مهاجرت از طریق این شبکه‌ها افزایش می‌یابد. به این ترتیب مهاجرت استراتژی را فراهم می‌کند که شخص خود را از عدم آزادی‌ها در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه مبدأ رها و آزاد کند و آزادی‌های واقعی که شخص می‌تواند داشته باشد؛ را تقویت می‌سازد و متنوع خواهد کرد. امکان انتخاب مهاجرت به‌عنوان یک استراتژی تقویت‌کننده آزادی، به دسترسی افراد به انواع مختلف منابع بستگی دارد. این منابع شامل سرمایه اقتصادی، انسانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و همچنین زمینه نهادی و شرایط جغرافیایی است که در آن اتفاق می‌افتد. این دسترسی و مالکیت دارایی‌ها و منابع در روند تصمیم‌گیری مهاجرت نقش اساسی بازی می‌کند (Juran, 2016: 25-26). از سوی دیگر محققان مهاجرت مدت‌هاست که تشخیص داده‌اند که پروسه‌های مهاجرت در خلأ رخ نمی‌دهد. بلکه آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی جاسازی شده‌اند (Gold, 2001; Waldinger, 2004). شبکه‌های مهاجران مجموعه‌ای از روابط بین فردی است که مهاجران جدید، مهاجران سابق و افراد غیر مهاجر را از طریق روابط خویشاوندی، دوستی و منشأ مشترک جامعه به یکدیگر متصل می‌کند. در این فرآیند مهاجران روابط اجتماعی چند رشته‌ای را می‌سازند که جوامع مبدأ و محل سکونت آن‌ها را بهم پیوند می‌دهد. در این فرآیند فراملی؛ بسیاری از مهاجران زمینه‌های اجتماعی را که از مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی عبور می‌کنند، ایجاد می‌کنند (Besh & et. al., 1994: 7; Cited by Bilecen & et. al., 2018). مهاجرت و شبکه‌ها هر دو در چارچوب‌های گسترده‌تر بین‌المللی، ملی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفته‌اند که عملکرد و کنش‌های افراد و معناهایی که به آن‌ها متصل‌اند، را ساختار می‌بخشند (Bilecen, 2014). در دنیای پیچیده و شبکه‌های اجتماعی نیرومند امروز، اطلاع از روند مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی و آزادی‌های محقق در سایر کشورها، کار چندان مشکلی نیست. استفاده از تجارب مهاجران از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌تواند انگیزه‌ای برای دستیابی به آزادی‌های بیشتر از طریق مهاجرت باشد و هر اقدام مهاجرت باعث ایجاد سرمایه اجتماعی

در میان افرادی می‌شود که مهاجران جدید با آن‌ها در ارتباط هستند و در نتیجه احتمال مهاجرت خارج از کشور را افزایش می‌دهند (Massey & et. al., 1994). یک فرض این است که تجربه مهاجرت، آزادی‌های واقعی که شخص از آن بهره‌مند می‌شود، را گسترش می‌دهد. مهاجر و خانواده‌اش، آزادی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را گسترش می‌دهند. با این حال، از آنجا که مهاجرت یک فرایند بسیار انتخابی است، تحرک و جابه‌جایی می‌تواند راه‌هایی برای دسترسی و انباشت منابع مالی، انسانی و اجتماعی برای برخی از مهاجران فراهم کند و از سویی ممکن است برای برخی دیگر، تجربه مهاجرت منجر به تقلیل دارایی‌هایشان شود. فرض دیگر این است که فرایند مهاجرت از لحاظ اجتماعی در جامعه گنجانده شده است و تا حدی مهاجرت به خارج روابط اجتماعی در کشور مبدأ را به خطر می‌اندازد و بنابراین این جامعه با زیرساخت‌های معیوب اجتماعی روبرو می‌شود. زمانی که مهاجرت را به‌عنوان از دست دادن سرمایه اجتماعی تلقی می‌کنیم، ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مهاجرت روشن می‌شود. توسعه زیرساخت‌های اجتماعی مولد بسیار پرزحمت است و وضعیت سرمایه اجتماعی ملی اغلب با نرخ بالای مهاجرت پنهان می‌شود. سرمایه اجتماعی وضعیتی را توصیف می‌کند که بر جامعه و روابط بین افراد و گروه‌ها حاکم است. وجود این فضا، روابط بین افراد را تسهیل کرده و اعتماد بین آن‌ها را بهبود می‌بخشد. کاپلان و لینچ سرمایه اجتماعی را نوعی انباشت سرمایه و شبکه‌هایی معرفی کرده‌اند که همبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی و در نتیجه نوعی عزت نفس و رضایت‌مندی را در افراد به وجود می‌آورد (Lynch and Kaplan, 1997: 207).

طبق مطالعه انجام شده (Sadeghi & et. al., 2017)، هرچه سرمایه اجتماعی و مشارکت در کشور بالاتر باشد می‌تواند مانع مهاجرت شود، فقدان مشارکت و ضعف سرمایه اجتماعی، یک عامل زمینه‌ای - ساختاری اثرگذار بر افزایش تمایل به مهاجرت است. در حالی که با هزینه‌های هنگفت در حوزه آموزش، نیروی انسانی متخصص و ماهر تربیت می‌کنیم، به دلیل شرایط ساختاری و زمینه‌ای، سرمایه انسانی را به راحتی از دست می‌دهیم. مشارکت در تصمیم‌های سیاسی، اجتماعی و مدنی کاهش می‌یابد و تعلق فرد نسبت به کشور به تدریج ضعیف می‌شود. از سوی دیگر علاوه بر مهاجران بالفعل، لازم است به مهاجران بالقوه نیز توجه کنیم. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، تمایل به مهاجرت به‌طور بالقوه در بین جوانان بسیار زیاد است یعنی گروهی که تمایل به مهاجرت دارند اما تاکنون موفق به مهاجرت نشده‌اند. آن‌ها عملاً با کسانی که رفته‌اند هیچ فرقی نمی‌کنند. این گروه مشارکت، اعتماد و سرمایه اجتماعی پایینی دارند، کمتر عضو گروه‌ها هستند و به

دلیل اینکه مشارکت جدی در توسعه کشور ندارند، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را در بلندمدت به کشور وارد می‌کنند.

همان‌طور که پیش از این نیز گفتیم شبکه‌های اجتماعی مهاجران، می‌تواند مسیر مهاجرت را برای مهاجران بالقوه تسهیل کند. جریان‌های مهاجرتی طولانی مدت، شبکه‌های فراملیتی را شکل می‌دهند. از طریق این شبکه‌ها ارتباط بین مهاجران با خانواده‌ها و دوستانشان حفظ می‌شود. در این شرایط سهم مردم از تجارب مهاجرت در یک جامعه افزایش می‌یابد و روابط اجتماعی با مهاجران چندین برابر می‌شود. تجارب مهاجر در بین جمعیت جامعه، باعث نگرش آزادانه و گسترش دانش می‌شود و این امر به نوبه خود مجموعه مهاجران بالقوه را گسترش می‌دهد (Jurán, 2016). مدل متداول سرمایه انسانی نیز پیش‌بینی می‌کند که تصمیمات مربوط به مهاجرت در بین دوستان، اقوام و حتی اعضای جامعه همبستگی خواهد داشت. بحث اصلی این است که رفتارهای مهاجرتی با هم ارتباط دارند زیرا دارای ویژگی‌ها و محدودیت‌های مشترکی هستند که بر احتمال وقوع آن و یا بازگشت خالص پیش‌بینی شده مهاجر تأثیر می‌گذارد.

طبق نتایج تحقیق (Lukaszewska, 2020)، اگر جامعه‌ای از نظر منابع سرمایه اجتماعی غنی باشد، مهاجرت ممکن است به رشد آن کمک کند، در حالی که برای جوامعی که در سرمایه اجتماعی فقیرند، مهاجرت ممکن است منجر به کاهش مداوم آن شود. شهروندانی که بیش از هر چیز به دلیل کاهش سرمایه‌های اجتماعی، پایین بودن اعتماد و مشارکت، فقدان آزادی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تعلق‌شان به جامعه به تدریج ضعیف می‌شود و حتی اگر امکان مهاجرت برایشان فراهم نباشد به بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی اجتماعی دچار می‌شوند. احساس آزادی و محرومیت در بین فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی، متفاوت است. این موارد نسبت به سن و جنس حساس هستند و می‌توانند در طول زمان تغییر کنند. لازم است روابط، اهداف و نیازهایی که مردم بر اساس شرایط محیطی خودشان ایجاد کردند و یا در پی تحقق آن هستند، با دیدگاهی فرهنگی و با مشارکت خود مردم تحقق پیدا کند و تا زمانی که این شیوه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ها با مشارکت خود عاملین شکل نگیرد، همچنان شاهد مهاجرت بالفعل و یا بالقوه - که خود را در بی‌تفاوتی و کاهش اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد - خواهیم بود. سن در مسیر توسعه راه حلی مشارکتی، انسانی و دیدگاهی همه جانبه را مطرح می‌کند. دیدگاه‌های متضاد و رو در روی هم را کنار می‌گذارد و با نگرشی انسانی و مشارکتی، خواهان تلفیق دوباره سنت و مدرنیته اما با انتخاب خود مردم و

مشارکت خود آن‌هاست. توسعه باید متوجه انسان و بهبود کیفیت حیات و زندگی او باشد. سن به نقش خود مردم و زنان به‌عنوان عاملین اصلی در تحقق توسعه و آزادی می‌پردازد و بخشی عظیمی از پیشرفت و توسعه‌یافتگی را ناشی از مشارکت عمومی مردم در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌داند. آنچه که می‌تواند روند توسعه را تسریع کند و بهبود ببخشد عاملیت آزاد مردم است. عاملیت آزاد به مثابه موتور توسعه و عنصر قوام‌بخش توسعه عمل می‌کند و به تقویت انواع دیگر عاملیت‌های آزاد کمک می‌کند. مشارکت عامل انسانی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی علاوه بر افزایش سرمایه اجتماعی، به تسریع روند توسعه نیز کمک خواهد کرد. هر چقدر فرصت مشارکت بیشتر فراهم شود و آزادی‌های واقعی اتفاق بیفتد، نوع خاصی از سرمایه انسانی و اجتماعی شکل می‌گیرد که می‌تواند مانع مهاجرت شود.

سخن آخر اینکه همیشه پیشگیری بهتر از درمان است و هزینه‌های کمتری را می‌طلبد. به منظور جلوگیری از خروج سرمایه انسانی و متخصصینی که در این سرزمین آموزش دیده‌اند و به بالندگی رسیده‌اند، شرایط تحقق انواع آزادی باید فراهم شود. افراد به‌عنوان عوامل فعال تحول و نه به‌عنوان دریافت‌کنندگان منفعل، باید مشارکت جدی در ترتیبات و مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشته باشند. تحقق آزادی‌ها و مشارکت عاملیت انسانی در انتخاب سبک زندگی و ترتیبات اجتماعی (به‌عنوان مثال تسهیلات آموزشی، مراقبت‌های بهداشتی، حقوق سیاسی و مدنی، آزادی شرکت در مباحث اجتماعی و تحقیقات عمومی)، علاوه بر اینکه کیفیت زندگی بیشتری را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد، کشور را به توسعه می‌رساند و انگیزه خروج از کشور را برای دستیابی به این اهداف کاهش می‌دهد.



## References:

- Babaei, A., Y.; Firouzjaian, A., Asghar (2008). "Sociological analysis of factors affecting lawlessness", *Police Science Quarterly*, 11th Vol., No. 4, 7-58. (Persian).
- Bilecen, B. (2014). *International Student Mobility and Transnational Friendships*, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Bilecen, B., Gamper, M., And Miranda J., Lubbersc (2018). The missing link: Social network analysis in migration and transnationalism, *Social Networks*, Vol. 53 , 1-3.
- De Haas, H. (2009). "International migration and regional development in Morocco: a review", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, Vol. 35, 1571-1593.
- De Haas, H. (2010). "Migration transitions: a theoretical and empirical inquiry into the developmental drivers of international migration", *International Migration Institute*, Vol. 24, 1-49.
- Ershad, F. (2001). "Theoretical foundations of brain drain according to the formation of its different patterns in current conditions", *Iranian Journal of Sociology*, Vol. 3, No. 5, 43-60. (Persian).
- Esmail-Zadeh, A., Zakersalehi, Gh. (2013). "Study of migration of scientific elites in Iran", *strategic studies of sports and youth*, Vol. 13, No. 26, 1-29. (Persian).
- Fan, X. & et. al. (2011). "Brain drain and technological relationship between skilled and unskilled labor: brain gain or brain loss?", *J. Popul Econ*, Vol. 24, 1980-1989.
- Gold, S. J., (2001). "Gender, class, and network: social structure and migration patterns among transnational Israelis", *Glob. Netw.* Vol. 1, 57-78.
- Hagen-Zanker, J. (2008). *Why do people migrate? A review of the theoretical literature* (M9PRA Paper No. 28197). University Library of Munich, Germany.
- <https://news.gallup.com/poll/245255/750-million-worldwide-migrate.aspx>.
- Iran Migration Yearbook (2019). *Iran Migration Observatory* (Policy Research Institute of Sharif University of Technology), Tehran: Presidency, Science and Technology Vice-Chancellor,

Communication and Information Center, Danesh Banyan Fanawar. (Persian).

Juran, S. (2016). "International migration seen through the lens of Amartya Sen's capability approach", *Migration Policy Practice* A Bimonthly Journal for and by policymakers worldwide, Vol. 6, No. 2, April-May.

Lahsaizadeh, A. A. (1989). *Theories of Migration*, Shiraz: Navid Publications. (Persian).

Lee, E. S. (1966). *A Theory of Migration*. Demography. Available at [www.elsevier.com](http://www.elsevier.com).

Lukaszewska-Bezulska, J. (2020). The Role of Social Capital in Labour-Related Migrations: the Polish Example, *Journal of International Migration and Integration*, <https://doi.org/10.1007/s12134-020-00776-z>.

Lynch, J. & Kaplan, G. (1997). "Understanding How Inequality in the Distribution of Income Effect Health", *Journal of Health Psychology*, No 2: 101-120.

Massey, D. S., Arango, J., Hugo, G., Kouaouci, A., Pellegrino, A., & Taylor, J. E. (1993). "Theories of international migration: A review and appraisal", *Population and Development Review*, 19(3), 431-466.

Massey, Douglas S., Luin P. Goldring, and Jorge Durand. (1994). "Continuities in Transnational Migration: An Analysis of 19 Mexican Communities", *American Journal of Sociology*, 99:1492-533.

Massey, Douglas S., Rafael Alarco'n, Jorge Durand, and Humberto Gonza lez (1987). *Return to Aztlan: The Social Process of International Migration from Western Mexico*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.

Mohei Eddin, M. (2009). *Social theories of migration: Critical analysis and attempt to develop referential framework*. Unpublished Manuscript, Egypt, Partners in Development for Research, Consulting and Training.

Mohseni Tabrizi, A.; Adel, M. (2016). "Investigation of social psychological factors affecting the tendency of faculty members of Tehran universities to migrate abroad", *Journal of the Iranian Demographic Association*, Vol. 2, No. 4, 70-98. (Persian).

- Qhazi Tabatabai, M.; Vedadhir, A. A. (2010). Meta-analysis in social and behavioral researches, Tehran: Sociologists. (Persian).
- Raheshkhor, M., Rafiyan, M. and E., Amini (2011). Social Research, Vol. 5, No. 6, 75-92. (Persian).
- Sadeghi, R.; Ghafari, Gh. and M. Rezaei (2017). "Investigating the effect of social capital on the desire to emigrate from Iran", Demographic Studies Quarterly, Vol. 4, No. 2, 83-108. (Persian).
- Sen, A. (2002). Development as freedom, translated by Hossein Raghofar, Tehran: Kavir. (Persian).
- Sheikhi, M. T. (1993). Basics of Demography, Tehran: Safir Publishing. (Persian).
- Stark, O. (1991). The Migration of Labor. Cambridge, Mass.: Basil Blackwell.
- Tavakkol, M.; Erfan-Manesh, I. (2014). "The integrated approach of the sociology of science to elite migration with an emphasis on Iranian society", Science and Technology Policy Quarterly, Vol. 7, No. 2, 83-100. (Persian).
- Todaro, M. (1991). Economic Development in the Third World, translated by Gholam Ali Farjadi, Tehran: Program and Budget Organization. (Persian).
- Vertovec, S. (2007). Superdiversity and its implications. Ethn. Racial Stud. 30 (6), 1024-1054.
- Waldinger, R. (2004). Networks and niches. The continuing significance of ethnic connections. In: Loury, G.C., Modoom, T., Teles, S.M. (Eds.), Ethnicity, Social Mobility, and Public Policy. Comparing the USA and UK. Cambridge University Press, New York, 342-362.
- WWW. Migration Data portal.Org.
- Zakersalehi, Gh. (2016). "Meta-analysis of studies conducted in the field of attracting elites and preventing their migration", Iranian Sociological Association Journal, Vol. 8, No. 1, 81-101. (Persian).
- Zanjani, H. (2001). Migration, Tehran: Smet Publications. (Persian).
- Zweig, D., Siu Fung, C., Han. D. (2008). "Redefining the brain drain, china's & diaspora option", science technology and society: 13(1), 1-33.

## Systematic Review and Qualitative Meta-Analysis of Research Studies in the Field of International Migration with Amartyasen Development-Oriented Approach

Elham Arabpour<sup>1</sup>, Marziyeh Mousavi (Ph.D)<sup>2</sup>

DOI: 10.22055/QJSD.2023.36485.2387

### Abstract:

This study, using qualitative meta-analysis method, with the aim of reviewing, classifying and comparing the experimental results of migration studies, tries to highlight the strengths and weaknesses of these works and analyzes the situation of international migration in the country with the Amartyasen capability approach. Put. In order to perform meta-analysis of 50 scientific research articles published in prestigious journals, on the subject of international migration in the period 2004-2020 in order to analyze international migration, we also used the capability approach. According to the results of the studies, the most important factors for the outflow of human capital from the country can be found in the lack of freedom in four areas: economic, political, social and cultural. From the perspective of age, migration provides a strategy to free oneself from the lack of freedoms in the economic, political and social spheres in the society of origin and to seek real freedoms in the destination. While in the path of development, the preservation of human capital and free and sustainable agency acts as the engine of development, and this agency is not only a consolidating element of development, but also helps to strengthen other types of free agency and leads to accelerate this The trend will be. Increased actual migration and the desire to migrate will cause a serious disruption in the development process of the country.

**Key Concepts:** *Iran, International Migration, Development, Aging Approach, Meta-Analysis*

<sup>1</sup> PhD student of Sociology, Al-Zahra University of Tehran, Tehran, Iran, earabpour@yahoo.com

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Sociology, Al-Zahra University, Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), m\_mousavi@gmail.com

